



فصلنامه راهبرد مدیریت مالی

دانشگاه الزهرا

سال سیزدهم، شماره پنجاه و یک، زمستان ۱۴۰۴

صفحات ۳۶-۱



مقاله پژوهشی

بررسی عوامل موثر بر ریسک‌های صنعت بانکداری با رویکرد تحلیل تم^۱

گلشن محمدی خانقاه^۲، سیدعلی حسینی^۳، حمیدرضا معبودی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

چکیده

بررسی ریسک در صنعت بانکداری نه تنها برای حفظ سلامت مالی بانک‌ها حیاتی است، بلکه، به ایجاد اعتماد در بازارهای مالی و حفاظت از منافع مشتریان نیز، کمک می‌کند. لذا، هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل تاثیرگذار بر ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی و ریسک بازار در صنعت بانکداری است. در راستای دستیابی به این هدف، نمونه‌ای شامل ۲۵ نفر از خبرگان بانکی طی مهر ماه سال ۱۴۰۳ با استفاده از روش گلوله برفی انتخاب و داده‌های مورد نظر از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته گردآوری شدند؛ سپس، از طریق تحلیل تم و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دا، نظرات خبرگان مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد از بعدهای مختلفی از جمله مشخصات کلان، ویژگی‌های محیطی و مشخصات مالی، به ریسک در صنعت بانکداری توجه شده است که برخی ریسک‌ها مختص محیط ایران بوده و در رتبه‌بندی دنیا مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به اینکه موسسات رتبه‌بندی داخلی تاکنون رتبه اعتباری بانک‌ها را اعلام ننموده‌اند، نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند جهت تعیین شاخص‌های اثرگذار در تعیین رتبه اعتباری بانک‌ها مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک عملیاتی، ریسک نقدینگی، صنعت بانکداری.

طبقه‌بندی موضوعی: G33, G21, G28, G32

۱. doi مقاله: 10.22051/jfm.2025.49726.3000

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

Email: mohammadikhaghah@gmail.com

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران، نویسنده مسئول. Email: a.hosseini@alzahra.ac.ir

۴. دکتری، گروه اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. Email: hrmaboodi@yahoo.com

مقدمه

باتوجه به اینکه اقتصاد ایران بانک‌محور بوده، بانک‌ها نقش حیاتی در ثبات اقتصادی کشور ایفا می‌کنند. در جهان امروز مسئله ورشکستگی بانک‌ها و موسسات اعتباری، جزء حساس‌ترین موضوعات بازار پول محسوب می‌شود و توجه کارشناسان و صاحب‌نظران امور بانکی را به خود جلب کرده است، زیرا، اگر بحران در حوزه پولی و اعتباری رخ دهد، ناتوانی و نکول تعهدات حتی یک کنشگر بازار پولی، بر سایر بازیگران و فعالان بازار پولی تأثیر مخربی داشته و بازیگران سایر بازارهای مالی (بازار سرمایه و بازار بیمه) و سایر بخش‌های اقتصادی را دچار تزلزل و درماندگی می‌سازد (امیری و همکاران، ۱۴۰۱). همانند بحران سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در ایالات متحده که منجر به از دست دادن اعتماد عمومی به شبکه بانکی و خروج سرمایه گردید. یکی از دلایل وقوع بحران، فقدان نظارت مناسب بر موسسات مالی بود و منجر به تشدید بحران بانکی گردید. در ایران نیز، باتوجه به اینکه حوزه بانکی از شفافیت کافی برخوردار نبوده (به‌عنوان مثال، یک عامل افزایش شفافیت، رتبه‌بندی اعتباری بانک‌ها بوده که در ایران تاکنون رتبه اعتباری هیچ بانکی اعلام نگردیده)، در صورت بروز مشکل برای هر بانکی، کل شبکه بانکی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. از طرفی با توجه به اینکه نظام اقتصادی و تامین مالی کشور بر پایه بازار پولی و بازیگران آن استوار است و با توجه به نقش بانک در بخش تولیدی و پروژه‌های عمرانی، هرگونه مشکل در بخش بانکی بر همه بخش‌های اقتصادی تأثیر خواهد گذاشت. لذا، نقش بانک‌ها در ایران بسیار حیاتی است.

جهت مدیریت ریسک در صنعت بانکداری، مکانیسم‌های مختلفی وجود دارد. یکی از نهادهای نظارتی بر بانک‌ها، بانک مرکزی است. بانک مرکزی به‌عنوان یک نهاد ناظر در تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی نقش بالاهمیتی داشته و اثربخشی آن می‌تواند تأثیر مثبتی بر کل اقتصاد بگذارد؛ زیرا، یک بخش بانکداری سالم و سودآور بهتر می‌تواند در برابر شوک‌های منفی مقاومت نموده و به ثبات سیستم مالی کمک کند (موریتالا و تایو^۱، ۲۰۱۳). به‌طور خاص، یکی از ریسک‌هایی که سودآوری بانک‌ها را از بین می‌برد و نشانه شروع یک بحران است، ریسک اعتباری بانک است که بیشتر از طریق سطح وام‌های معوق بانک‌ها منتقل می‌شود (نایلی و لاهیرچی^۲، ۲۰۲۲). بنابراین، مدیریت بانک‌ها باید سیاست‌های صحیح وام‌دهی، روند مناسب مدیریت اعتبار و یک روش موثر و کارآمد را برای نظارت بر عملکرد وام‌دهی با دستورالعمل‌های تعیین شده ایجاد کند (آگو و اکولی^۳، ۲۰۱۳). همچنین، طبق پژوهش‌های صورت گرفته ریسک بازار، ریسک عملیاتی و ریسک نقدینگی بر سودآوری بانک اثرگذار هستند (فهرول و روسلیاتی^۴، ۲۰۱۶). بنابراین، هر عاملی که بر سودآوری تأثیرگذار باشد، می‌تواند بر ریسک کلی بانک نیز، تأثیر بگذارد. پیشینه پژوهش نشان‌دهنده برجسته شدن اهمیت ریسک در گذر زمان است. به‌عنوان مثال قبل از دهه ۱۹۸۰، دایره اعتبارات و سیاست‌های اعتباری، فقط ریسک مربوط به سوخت شدن مطالبات را مدنظر قرار می‌دادند. حساب‌سازان به ریسک‌های عملیاتی و مدیران ارشد توجه زیادی به جنبه‌های استراتژیک مدیریت

1. Muritala & Taiwo
2. Naili & Lahrichi
3. Agu & Okoli
4. Fahrul & Rusliati

ریسک نداشتند اما، از دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰، توجه بیشتری به حوزه مدیریت ریسک شد؛ زیرا، ریسک‌های جدیدی بروز پیدا کرده بود و ورشکستگی بانک‌ها به سطحی رسیده بود که از دهه ۱۹۳۰ تا آن زمان بی‌سابقه بود. لذا، از دهه ۱۹۸۰ به بعد توجه ویژه‌ای به مدیریت ریسک شد و به‌عنوان عاملی در نظر گرفته شد که می‌تواند بر سودآوری بانک‌ها و شرکت‌ها تأثیرگذار باشد (پارکر و پارسیان، ۱۳۷۸). درخصوص شرایط محیطی ایران نیز، تحریم‌ها، دسترسی به منابع مالی را محدود کرده و نقدینگی را تحت فشار قرار می‌دهد. نوسانات بازار جهانی (مانند قیمت نفت، طلا و ارز) می‌تواند بر ارزش دارایی‌ها تأثیر بگذارد و ریسک بازار را افزایش دهد. همچنین، طبق آمارهای اعلامی زیان انباشته بانک‌ها به ۵۰۰ همت رسیده و ۱۰ درصد مطالبات بانک‌ها قابل وصول نیست (بنکر، ۱۴۰۳). لذا، توجه به عوامل موثر بر ریسک در ایران بسیار حائز اهمیت است.

پژوهش‌های مختلفی تأثیر عوامل کمی بر ریسک اعتباری در صنعت بانکداری را مورد بررسی قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال، رستمی و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر ۸ عامل (شامل^۱ NPL - تولید ناخالص داخلی - درآمد نفت - نرخ تورم - رشد اعتبار - نسبت سرمایه به دارایی) و شهرامی و همکاران (۱۴۰۲) نیز، تأثیر ۶ عامل (شامل نسبت وام‌های غیرجاری، بازده دارایی، رشد دارایی، نرخ بیکاری، نرخ رشد اقتصادی، نرخ بهره حقیقی) را بر ریسک اعتباری بانک‌ها مورد بررسی قرار دادند. همچنین، پژوهش‌هایی از جمله محقق‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) و نادری و همکاران (۱۴۰۱)، از طریق مصاحبه میدانی به‌صورت کیفی اقدام به شناسایی عوامل موثر بر ریسک اعتباری در صنعت بانکداری نمودند و جهت اجرای پژوهش اقدام به بررسی نظرات خبرگان شامل کارشناسان و مدیران اعتباری صنعت بانکداری نمودند. درحالی که در پژوهش حاضر، اقدام به شناسایی عوامل موثر بر انواع ریسک در صنعت بانکداری (شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و ریسک بازار) شده‌است. همچنین، از متخصصان حوزه بانکی (شامل اعضای هیئت مدیره، مدیران اداره اعتبارات، مدیریت ریسک، کمیته تطبیق، روسای بانک، اعضای هیئت علمی دانشگاه فعال در صنعت بانکداری) استفاده شده‌است. به‌عبارت دیگر، پژوهش‌های پیشین صرفاً اقدام به بررسی ریسک اعتباری نموده و نمونه پژوهش نیز، از بین مدیران و کارشناسان اعتبارات انتخاب شده‌اند (به‌عنوان مثال پژوهش نادری و همکاران، ۱۴۰۱) که شکاف موجود در پژوهش‌های پیشین در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و این موضوع نوآوری پژوهش حاضر تلقی می‌گردد. براین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر انواع مختلف ریسک در صنعت بانکداری است.

در ادامه، پژوهش حاضر به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌ها و نتیجه‌گیری خواهد پرداخت.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

ریسک‌های مختلفی صنعت بانکداری را تهدید می‌کند که در صورت عدم‌توجه به هر یک می‌تواند بر افزایش سایر ریسک‌ها دامن بزند. به‌عنوان مثال، در صورت عدم‌توجه به ریسک اعتباری، به‌دلیل ناتوانی

شرکت‌ها در بازپرداخت بدهی‌های خویش، بانک با ریسک نقدینگی نیز، مواجه خواهد شد. به‌طور کلی ریسک‌های اصلی حوزه بانکی به شرح ذیل هستند (بازل ۲):

ریسک اعتباری

ریسک اعتباری به‌عنوان "خطر عدم‌پرداخت یا تأخیر در پرداخت توسط بدهکار" تعریف می‌شود. این ریسک شامل احتمال نکول یا عدم پرداخت کامل بدهی توسط وام‌گیرندگان است که می‌تواند به از دست رفتن دارایی‌ها یا کاهش ارزش دارایی‌های بانک منجر شود.

ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی به‌عنوان "خطر ناتوانی بانک در پرداخت تعهدات خود در زمان مناسب و با هزینه مناسب" تعریف می‌شود. این ریسک شامل احتمال عدم توانایی بانک در تأمین نقدینگی مورد نیاز برای پرداخت بدهی‌ها یا تعهدات خود در زمان مناسب است.

ریسک بازار

ریسک بازار به‌عنوان "خطر زیان در موقعیت‌های درون ترازنامه و خارج از ترازنامه ناشی از تغییرات قیمت‌های بازار" تعریف می‌شود، این خطرات عبارتند از:

- ریسک‌های مربوط به ابزارهای مرتبط با نرخ سود (ابزارهای مالی مانند اوراق قرضه، وام‌ها و سپرده‌ها) و سهام در دفتر معاملات.
- ریسک ارز و ریسک نوسانات قیمت کالا

ریسک عملیاتی

ریسک عملیاتی به‌عنوان "ریسک ضرر ناشی از فرآیندهای داخلی ناکافی یا ناموفق، افراد و سیستم‌ها یا از رویدادهای خارجی" تعریف می‌شود. این تعریف شامل ریسک قانونی است، اما ریسک‌های استراتژیک و شهرت را مستثنی می‌کند.

پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور، اقدام به بررسی عوامل موثر بر ریسک در صنعت بانکداری نموده که بیشتر پژوهش‌ها درخصوص ارزیابی ریسک اعتباری بانک‌ها بوده‌اند. به‌عنوان مثال، نایلی و لاریچی^۲ (۲۰۲۲)، شهرامی بابکان و همکاران (۱۴۰۲)، نادری و همکاران (۱۴۰۱)، رستمی و همکاران (۱۳۹۷) و نیکبخت و قربانی (۱۳۹۹)، اقدام به بررسی عوامل موثر بر ریسک اعتباری بانک‌ها نموده‌اند. پژوهش‌های خارجی همانند پژوهش‌های صالح و ابو افیفه^۳ (۲۰۲۰) و فهرول و روسلیاتی (۲۰۱۶)، ریسک

1 . Basel II
2 . Naili & Lahrichi
3 . Saleh & Abu Afifa

عملیاتی، ریسک نقدینگی و ریسک بازار را نیز، مورد بررسی قرار داده‌اند. از طرفی، در ایران پژوهشی توسط مهرانی و همکاران (۱۴۰۳)، در خصوص تدوین چارچوب پیاده‌سازی مدیریت ریسک جامع در صنعت بانکداری انجام گرفته که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد چارچوب مدیریت ریسک جامع به‌طور کامل در بانک‌های ایران پیاده نمی‌شود و چالش‌های مختلفی از جمله عدم وجود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، عدم وجود دانش کافی و محدودیت‌های دولتی به‌عنوان موانع پیاده‌سازی ارائه شده‌اند.

همچنین، محقق‌نیا و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی اقدام به بررسی ابعاد رتبه‌بندی اعتباری بانک‌های ایران نمودند. جهت اجرای پژوهش، ابتدا مکانیسم‌های رتبه‌بندی موسسات برتر دنیا (اس اند پی^۱، فیچ^۲ و مودیز^۳) مورد بررسی قرار گرفتند و براساس شاخص‌های مورد استفاده موسسات مذکور پرسش‌نامه‌ای تهیه و به نظرخواهی از خبرگان گذاشته شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد عوامل موثر بر ریسک در صنعت بانکداری شامل ۷۸ عامل اصلی (۶۰ عامل کمی و ۱۸ عامل کیفی) بوده‌است.

پژوهشی نیز، توسط مرشدی و حسینی (۱۴۰۱)، صورت گرفته که معیارهای سنجش ریسک شرکت‌ها جهت پذیرش در بازار سرمایه را مورد بررسی قرار دادند. پژوهش‌هایی همچون ارضاء و قاسم پور (۱۳۹۶)، نیز، اقدام به رتبه‌بندی بانک‌ها براساس مدل کملز^۴ نموده‌اند، اما هیچ‌یک از پژوهش‌های داخلی، انواع مختلف ریسک در صنعت بانکداری را مورد بررسی قرار نداده و صرفاً ریسک اعتباری مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب نظری مدیریت ریسک بانکی و چالش‌های موجود در محیط ایران

عالی‌ترین نهاد بین‌المللی نظارت بانکی، کمیته بازل است. کمیته نظارت بانکی بازل در سال ۱۹۷۴ تشکیل گردیده و باتوجه به اینکه جلسات آن در شهر بازل سوئیس برگزار می‌گردد، به آن کمیته بال گفته می‌شود. در سال ۲۰۰۱ کمیته بال دومین مجموعه قوانین خود را تحت‌عنوان بال ۲ جهت کاهش ریسک مالی بین‌المللی از طریق بهبود سیستم‌های مدیریت ریسک، فرآیندها، سیاست‌ها، معیارها، گزارش‌دهی و فناوری اطلاعات در بانک‌ها منتشر کرد. بیانیه بال (۱) در سال ۱۹۸۸ معرفی شد و تا سال ۲۰۰۷ اجرا شد. در سال ۱۹۹۹ به‌دلیل ضعف‌های بیانیه بال (۱) و بروز بحران‌های دهه ۱۹۹۰، پیش‌نویس بیانیه کفایت سرمایه به نام بال (۲) تدوین و در سال ۲۰۰۴ منتشر شد و از سال ۲۰۰۸ اجرایی شد که شامل مباحثی در ارتباط با مدیریت ریسک و نحوه محاسبه کفایت سرمایه براساس ریسک‌های اعتباری، بازار و عملیاتی بود. به دلیل وقوع بحران ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، کمیته بال، بیانیه بال (۲) را جهت افزایش شفافیت اطلاعات بانکی و بهبود سرمایه بانک‌ها بازنگری کرد. همچنین، الزامات جدیدی در مورد نقدینگی و نسبت اهرمی در سال ۲۰۱۰ تحت بیانیه بال (۳) منتشر کرد، که اجرای آن از سال ۲۰۱۴ الزامی گردید (مهرانی و همکاران، ۱۴۰۳).

1. S&P
2. Fitch
3. moodys
4. CAMELS



هدف کمیته، بالا بردن درک موجود در خصوص مسائل نظارت بانکی در سراسر جهان است. این کمیته از سال ۱۹۹۴ جلسات و کنفرانس‌هایی را به منظور تدوین و ارائه اصول راهبردی و استانداردهای نظارتی در حوزه‌های مورد نیاز صنعت بانکداری برگزار کرده است. از مهم‌ترین اقدامات این کمیته، تهیه و انتشار ارکان سرمایه، نظارت و نظم بازار است (سیرغانی، ۱۴۰۱).

تغییرات سریع محیط اقتصادی و رقابتی، تغییر تقاضا و سلیقه مشتریان و رشد تکنولوژی از منظر کمیته نظارت بازل نیازمند اتخاذ رویه‌هایی است تا به تحقق برنامه‌های مدیریت و اهداف سازمان در پاسخگویی به این تغییرات یاری رساند؛ اما، در ایران چالش‌هایی در خصوص پیاده‌سازی مدیریت ریسک جامع در بانک‌ها به شرح ذیل وجود دارد (مهرانی و همکاران، ۱۴۰۳):

- ناتوانی در حفظ نیروی انسانی شایسته
- مشکلات فناوری اطلاعات
- نبود نیروی انسانی که همزمان دانش مالی و دانش فناوری اطلاعات داشته باشد.
- مداخلات دولتی
- قوانین دستوری نهاد ناظر
- تعامل سازمانی

مروری بر پیشینه پژوهش

لیانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی تحت عنوان «اهداف رشد اقتصادی و ریسک بانکی: شواهدی از چین» با استفاده از داده‌های بانک‌های تجاری محلی در دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹، به بررسی تأثیر اهداف رشد اقتصادی محلی بر قرار گرفتن در معرض ریسک بانک‌های تجاری در چین پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد اهداف رشد اقتصادی محلی به‌طور مثبت با قرار گرفتن در معرض ریسک بانک‌ها مرتبط است. این رابطه در موارد زیر بیشتر برجسته است: ۱- بانک‌های دولتی و بانک‌هایی که مدیران آنها دارای انگیزه‌های ترفیعی قوی‌تری هستند، ۲- استان‌هایی که سیاستمداران در مراحل بحرانی برای ترفیع قرار دارند، دارای پتانسیل رشد پایین‌تر هستند و ۳- دوره‌هایی با چشم‌انداز اقتصادی تیره و عدم قطعیت سیاست اقتصادی بیشتر. نتایج حاصل از پژوهش اطلاعات جدیدی در مورد هزینه‌های بالقوه مرتبط با تلاش‌های دولت‌های محلی برای تثبیت رشد اقتصادی از دیدگاه قرار گرفتن در معرض ریسک بانک‌ها ارائه می‌دهد.

رفیعیان و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی «تأثیر اعتبارات دولتی بر ریسک و سودآوری بانک (مطالعه موردی: سازمان کشورهای همکاری اسلامی)» طی بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۵ را مورد بررسی قرار دادند و جهت اجرای پژوهش از روش GMM استفاده شده است. نتایج نشان داد درحالی که وام‌ها و اعتبارات قبلی

دولت بر سودآوری بانکها تأثیر منفی و معنی‌داری داشتند، وامها و اعتبارات جاری دولت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ریسک داشتند. سطح بالای وامها و اعتبارات دولتی به‌عنوان شاخص توسعه مالی و سطح بالای سرمایه‌گذاری داخلی، نشان‌دهنده توسعه نظام‌های مالی یک کشور است. در کشورهایی که سیستم مالی بر پرداخت‌های بخش عمومی تأکید دارد، هزینه‌های مبادله، کنترل و مدیریت ریسک و تحرک پس‌انداز بالاتر از سایر کشورها است. به‌طور خاص، بالاترین نرخ‌ها در کشورهای پردرآمد است که نشان‌دهنده نقش بانکها در بازارهای مالی آن کشورها است.

نایلی و لاریچی (۲۰۲۲)، در پژوهشی تحت عنوان «ریسک اعتباری بانکها، عوامل تعیین‌کننده سیستماتیک و عوامل خاص: شواهد اخیر از بازارهای نوظهور» اقدام به بررسی عوامل تأثیرگذار بر ریسک اعتباری بانکها نمودند. این پژوهش وام‌های غیرجاری (NPL) را چالش اصلی می‌داند که ثبات بخش بانکی را به خطر می‌اندازد. هدف از این پژوهش، بررسی عوامل تعیین‌کننده اصلی وام‌های غیرجاری بانکها در بازارهای نوظهور است. این پژوهش از یک رویکرد تابلویی و تخمین داده‌های پویا از طریق روش‌های تعمیم‌یافته (GMM) با استفاده از داده‌های ۵۳ بانک فهرست‌شده در پنج بازار نوظهور خاورمیانه و شمال آفریقا بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۹ استفاده نموده است. نتایج حاکی از آن است که رشد تولید ناخالص داخلی، بیکاری، سرمایه بانک، عملکرد بانک، ناکارآمدی عملیاتی بانک، تمرکز مالکیت بانک، تورم، بدهی دولتی و اندازه بانک عوامل اصلی تعیین‌کننده NPLها هستند، درحالی‌که رشد وام، تنوع بانکی و رقابت بین بانکی مشخص شد که تأثیر ناچیزی بر NPLها دارد.

صالح و ابو افیفة (۲۰۲۰)، در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و سرمایه بانک بر سودآوری بانک طی بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۸ و با استفاده از روش GMM نمودند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و متغیرهای سرمایه بانکی بر سودآوری بانک تأثیرگذار هستند و پیشنهاد دادند که مدیران بانکها باید به اهمیت الزامات بازل توجه نمایند؛ زیرا، اجرای آن منجر به افزایش کارایی و سودآوری بانک می‌شود و ریسک را کاهش می‌دهد.

فهرول و روسلیاتی (۲۰۱۶)، در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک عملیاتی و ریسک نقدینگی بر سودآوری بانکها در اندونزی طی بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۴ پرداختند. روش پژوهش، توصیفی تاییدی بوده و جهت اجرای پژوهش نمونه‌ای متشکل از ۳۰ بانک انتخاب شده و با استفاده از رگرسیون چندگانه فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد ریسک بازار، ریسک عملیاتی و ریسک نقدینگی بر سودآوری اثر مثبت دارند.

تهرانی و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی رتبه‌بندی شاخص‌های تکنولوژی مالی در بانکها مبتنی بر رویکرد فازی را مورد بررسی قرار دادند. جهت اجرای پژوهش با بهره‌گیری از نظر خبرگان از طریق پرسشنامه طی دوره زمانی مهر الی بهمن ۱۴۰۱ و با استفاده از تجزیه و تحلیل فرآیند سلسله‌مراتب فازی اقدام به شناسایی شاخص‌های اثرگذار نمودند. نتایج رتبه‌بندی فناوری‌های مالی بخش پولی نشان داد ابزارهای نرم‌افزاری به‌ترتیب؛ همراه بانک ۰/۲۵۶، اینترنت بانک ۰/۲۰۵ و بانکداری دیجیتال ۰/۱۹۳ و در میان

ابزارهای سخت‌افزاری به ترتیب دستگاه‌های خودپرداز برون‌شعبه‌ای ۰/۲۹۰ و دستگاه خودپرداز درون‌شعبه‌ای ۰/۲۷۱ از بالاترین سطح اهمیت برخوردار هستند.

مهرانی و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی تدوین چارچوب پیاده‌سازی مدیریت ریسک جامع در صنعت بانکداری (مطالعه موردی چندگانه) را مورد بررسی قرار دادند. جهت اجرای پژوهش از رهیافت کیفی و روش مرور سیستماتیک و مطالعه موردی با بررسی دو بانک صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل هیات مدیره، مدیران ارشد، اعضای کمیته‌های تخصصی و کارشناسان مجرب و خبره است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد چارچوب مدیریت ریسک جامع به‌طور کامل در بانک‌های ایران پیاده نمی‌شود که ناشی از چالش‌های مختلفی از جمله عدم وجود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، عدم وجود دانش کافی و محدودیت‌های دولتی است.

سلیمانی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی تحت عنوان «پیش‌بینی بحران مالی در بانک‌ها با استفاده از مدل‌های معادلات ساختاری» اقدام به ارائه مدلی یکپارچه جهت پیش‌بینی وقوع بحران مالی در بانک‌ها نمودند. جهت اجرای پژوهش از داده‌های ۲۱ بانک طی بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰ با استفاده از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که عوامل مالی، عوامل درونی غیرمالی، عوامل صنعت و عوامل کلان بر بحران مالی در بانک‌ها مؤثر هستند و متغیرهای منابع انسانی، حاکمیت شرکتی، ریسک نقدینگی و نسبت کفایت سرمایه مهم‌ترین متغیرها در پیش‌بینی بحران مالی هستند.

شهرامی بابکان و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی رابطه بین مطالبات غیرجاری و متغیرهای توضیحی (عوامل کلان اقتصادی (شامل نرخ بیکاری، نرخ رشد اقتصادی، نرخ بهره حقیقی) و عوامل خاص بانکی (شامل بازده دارایی، رشد دارایی)) را مورد بررسی قرار دادند. جهت اجرای پژوهش از روش گشتاور تعمیم‌یافته طی بازه زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۴۰۰ استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که عوامل خاص بانکی نسبت به عوامل کلان اقتصادی تأثیر بیشتری بر ریسک اعتباری بانک‌ها دارند.

نادری و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی مطالبات غیرجاری و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری در بانکداری ایران با استفاده از تکنیک DANP را مورد بررسی قرار دادند. نمونه پژوهش شامل ۲۰ نفر خبره حوزه بانکی بوده که از طریق روش گلوله برفی و از بین کارشناسان و مدیران ریسک اعتباری حوزه بانکی کشور انتخاب شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد عوامل کلان اقتصادی مهم‌ترین عامل، همچنین، بی‌ثباتی در محیط کلان اقتصادی، عدم اقدام قاطع و به‌موقع با نکول‌کنندگان، پایش اعتباری ضعیف و ناکافی، تسهیلات تکلیفی و طولانی و زمان‌بر بودن روبه‌های قضایی، مهم‌ترین زیر عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری در صنعت بانکی محسوب می‌شوند.

نیکبخت و قربانی (۱۳۹۹)، در پژوهشی اقدام به شناسایی شاخص‌های بانک‌های در معرض بحران ورشکستگی بر اساس روش تحلیل تم نمودند. جهت اجرای پژوهش از مصاحبه میدانی و روش تحلیل تم استفاده شده و نتایج حاصل از پژوهش نشان داد ۱۷ شاخص با درجه تأثیرگذاری بالا بر ورشکستگی بانکی وجود دارد که ۵ شاخص به‌طور خاص ویژه شرایط جاری بانک‌های کشور است.

محققان و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی اقدام به بررسی ابعاد رتبه‌بندی اعتباری بانک‌های ایران نمودند. جهت اجرای پژوهش، ابتدا مکانیسم‌های رتبه‌بندی موسسات برتر دنیا (استاندارد اند پورز، فیچ و مودیز) مورد بررسی قرار گرفتند و براساس شاخص‌های مورد استفاده موسسات مذکور پرسش‌نامه‌ای تهیه و به نظرخواهی از خبرگان گذاشته شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد عوامل مؤثر بر ریسک در صنعت بانکی شامل ۷۸ عامل اصلی (۶۰ عامل کمی و ۱۸ عامل کیفی) بوده است.

رستمی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی اقدام به بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری بانک‌های تجاری ایران با تأکید بر عوامل خاص بانکی و کلان اقتصادی نمودند. جهت اجرای پژوهش از نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شده و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) طی بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۴ آزمون شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد نسبت تسهیلات غیرجاری دوره گذشته و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت با ریسک اعتباری بانک (نسبت تسهیلات غیرجاری) رابطه مستقیم و معنی‌دار و بین متغیرهای سرمایه بانک، نرخ رشد درآمد نفتی و رشد اعتبار با ریسک اعتباری بانک رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

ارضاء و قاسم پور (۱۳۹۱)، در پژوهشی اقدام به رتبه‌بندی بانک‌های خصوصی ایران بر اساس مدل کملز با استفاده از رویکرد ترکیبی فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی و آراس نمودند. جهت اجرای پژوهش از داده‌های بانک‌های بورسی و فرابورسی فعال در نظام بانکی کشور، بر مبنای مقادیر شاخص‌های استخراج‌شده از صورت‌های مالی حسابرسی شده طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ استفاده شد و جهت رتبه‌بندی از تکنیک آراس استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد، به‌ترتیب بانک‌های خاورمیانه، پاسارگاد، قوامین، کارآفرین و سینا عملکرد مطلوب‌تری نسبت به سایر بانک‌های مورد بررسی داشته‌اند.

باتوجه به پیشینه پژوهش و مبانی نظری، در ایران پژوهش‌هایی که عوامل مؤثر بر ریسک بازار، عملیاتی و نقدینگی بانک‌ها را مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نشده و پژوهش‌های پیشین صرفاً چند شاخص محدود را به صورت کمی مورد توجه قرار داده و تأثیر آن بر NPL بانک را بررسی نموده‌اند. همچنین، بیشتر پژوهش‌های موجود صرفاً ریسک اعتباری را مورد توجه قرار داده؛ لذا، باتوجه به اینکه پژوهش حاضر از روش کیفی استفاده نموده و اقدام به ارزیابی ریسک بازار، اعتباری، نقدینگی و عملیاتی نموده، این موضوع نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود. به‌عبارتی استفاده از روش کیفی منجر به شناسایی ریسک‌هایی می‌گردد که مختص محیط ایران بوده و در پژوهش‌های پیشین اشاره نشده است.

فرضیه‌های پژوهش

براساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل صورت‌بندی می‌شوند:

فرضیه اول: مشخصات کلان بر ریسک در صنعت بانکداری تأثیرگذار است.

فرضیه دوم: ویژگی‌های محیطی بر ریسک در صنعت بانکداری تأثیرگذار است.

فرضیه سوم: مشخصات مالی بر ریسک در صنعت بانکداری تأثیرگذار است.

سوال اصلی جهت اثبات فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل است:

- ۱- عوامل موثر بر ریسک در صنعت بانکداری چه مواردی هستند؟
- ۲- جهت دستیابی به سوال اصلی پژوهش، سوالات فرعی به شرح ذیل صورت‌بندی شده‌اند:
- ۳- مولفه‌های اصلی تاثیرگذار بر ریسک و رتبه‌بندی اعتباری بانک چه مواردی هستند؟ مولفه‌های فوق به چه صورت بر ریسک بانک تاثیرگذار هستند؟ (باعث افزایش یا کاهش ریسک می‌شوند؟) و از چه طریق؟

ویژگی‌های محیطی:

۱. چه عواملی درخصوص ویژگی‌های محیطی بانک (راهبری شرکتی) می‌تواند بر ریسک اعتباری بانک موثر باشد؟ به‌عنوان مثال، چه عوامل داخلی در بانک‌ها (مثل فرآیندهای اعتباری، کیفیت مدیریت ریسک و سیستم‌های فناوری اطلاعات و اشخاص وابسته و حمایت دولت) بر سطح ریسک تأثیر می‌گذارند؟
۲. به نظر شما چه رویکردهایی در ارزیابی و مدیریت ریسک در بانک‌های موفق استفاده می‌شود؟ (همانند روش‌های نمره‌دهی اعتباری، مدل‌های پیش‌بینی ریسک اعتباری و غیره). نقاط ضعف و قوت مدل‌های مربوطه چیست؟
۳. استفاده از فناوری‌های نوین (مانند هوش مصنوعی و یادگیری ماشین) چگونه در بهبود فرآیندهای ارزیابی اعتباری و پیش‌بینی ریسک و نهایتاً مدیریت ریسک بانک‌ها مؤثر است؟
۴. مدیریت و سازماندهی بهینه منابع انسانی در بانک چگونه بر عملکرد اعتباری و ریسک آن تاثیر دارد؟
۵. در حوزه مدیریت ریسک، چه نوع آموزش‌ها و برنامه‌های توسعه مهارتی را برای کارکنان بانک مناسب می‌دانید؟
۶. نظارت بر فعالیت‌های شعب و واحدهای فرعی چگونه بر کنترل ریسک بانک تاثیر دارد؟

مشخصات مالی:

۱. به نظر شما کدام ابزارهای پوشش ریسک (مانند وثایق، ضمانت‌نامه‌ها، مشتقات اعتباری و ...) بیشترین کاربرد را در بانک‌های ایرانی دارد؟ چگونه از این ابزارها برای مدیریت ریسک استفاده می‌شود؟
۲. به نظر شما چه اقداماتی می‌توان برای افزایش شفافیت و اعتماد عمومی به نظام بانکی در زمینه مدیریت ریسک انجام داد؟

مشخصات کلان:

۱. درخصوص بانک‌های خارجی، مهم‌ترین عواملی که ریسک برقراری روابط کارگزاری با آن‌ها را بالا می‌برد چه مواردی است؟ مهم‌ترین عوامل کلان موثر بر ریسک در صنعت بانکداری ایران کدام‌اند؟ و چگونه بر ریسک بانک‌ها تاثیر می‌گذارند؟

۲. تغییرات در قوانین و مقررات (مثل دستورالعمل‌های بانک مرکزی یا الزام بانک‌ها به خرید اوراق دولتی و ...) در چند سال اخیر چگونه بر مدیریت ریسک بانک‌ها تأثیر گذاشته است؟ آیا تأثیر آن مثبت یا منفی بوده است؟
۳. آیا تجربه بین‌المللی در زمینه مدیریت ریسک می‌تواند برای بانک‌های ایرانی مفید باشد؟ در این زمینه چه آموخته‌ها و الگوهایی وجود دارد که بتوان در ایران پیاده‌سازی کرد؟
۴. آیا علاوه بر موارد مطروحه در سوالات فوق پیشنهادهایی برای بهبود مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها دارید؟

روش شناسایی پژوهش

جهت دستیابی به هدف پژوهش حاضر، از رویکرد پژوهش کیفی استفاده شده است. دلیل استفاده از رویکرد کیفی این است که پژوهش‌های پیشین کمی بوده و عوامل کیفی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ لذا، این پژوهش جهت شناسایی عوامل مختص محیط ایران از رویکرد کیفی استفاده نموده است. در رویکرد کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های اجتماعی از داده‌های حاصله از مصاحبه‌ها، مستندات، مشاهدات مشارکتی، مطالعات کتابخانه‌ای و ... استفاده می‌شود. پژوهش حاضر از نظر نوع روش در دسته مطالعات توصیفی-اکتشافی قرار می‌گیرد. جهت اجرای پژوهش مراحل به شرح ذیل انجام شده است:

(الف) مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش

(ب) نظرخواهی از خبرگان از طریق مصاحبه

(ج) تحلیل تم

با توجه به اینکه هدف پژوهش شناسایی عوامل موثر بر ریسک در صنعت بانکداری است، جامعه آماری پژوهش شامل افراد متخصص و خبره و صاحب‌نظر بوده که از بین گروه‌های ذیل انتخاب شدند که حداقل ۵ سال سابقه کار مرتبط (بانکی و غیربانکی) داشته باشد:

- ۱) اعضای هیئت مدیره و مدیران ارشد نظام بانکی
- ۲) اعضای کارگروه‌های تخصصی جامعه حسابداران رسمی ایران
- ۳) اعضای کمیته‌های اعتباری و هیات مدیره بانک‌ها و نظارت اعتباری بانک‌ها
- ۴) اعضای کمیته‌های نظارت بانک مرکزی و کارشناسان مربوطه
- ۵) اعضای هیئت علمی مرتبط و سایر صاحب‌نظران حوزه بانکداری

کنترل وجود حوزه کاری مرتبط با موضوع پژوهش هنگام انتخاب خبرگان مدنظر قرار گرفته است و خبرگان فاقد تجربه مرتبط از نمونه پژوهش حذف گردیده‌اند. همچنین، نفراتی انتخاب شده‌اند که دارای پست‌های مدیریتی بوده و حداقل ۵ سال سابقه کاری بانکی داشته‌اند و در صورتی که سابقه غیربانکی بالاتر از ۱۰ سال بوده و به دلیل سابقه بالا در پست‌های مدیریتی قرار گرفته باشد، نیز، انتخاب شده‌اند. به عبارتی، دلیل اشاره به تجربه غیربانکی این است که برخی افراد سابقه مدیریتی در شرکت‌های بخش خصوصی داشتند و به دلیل تجربه بالا هنگام شروع به کار در بانک‌ها سمت مدیریتی دریافت نموده بودند و افرادی که تجربه غیربانکی بالایی داشتند نیز، عوامل موثر بر مشتریان بانک‌ها را که در نهایت بر ریسک خود بانک تأثیرگذار است با تحلیل عمیق‌تری ارائه می‌دادند.

جهت انتخاب نمونه آماری از روش گلوله برفی استفاده شد. نمونه‌گیری گلوله برفی بدین صورت است که شرکت‌کنندگانی که به هر نحوه باهم دارای ارتباط هستند انتخاب می‌شوند و این افراد نیز، پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامعه راهنمایی می‌کنند. محدودیت روش گلوله برفی آن است که به دلیل سوگیری شبکه‌ای (انتخاب افراد مرتبط با حلقه اولیه) ممکن است منجر به حذف صاحب‌نظران مستقل گردد، جهت کاهش این سوگیری از گروه‌های اولیه در بانک‌های مختلفی (بانک‌های دولتی، نیمه دولتی و خصوصی) به‌عنوان مینا استفاده شده‌است. پژوهش حاضر بعد از ۲۵ مصاحبه به اشباع نظری رسید و بعد از مصاحبه ۲۵ام داده‌ها تکراری شده و اطلاعات جدیدی به دست نیامد. لذا، نمونه پژوهش شامل ۲۵ نفر خبره در حوزه بانکی است که براساس مصاحبه نیمه ساختاریافته طی مهر ماه ۱۴۰۳ اقدام به جمع‌آوری داده‌های پژوهش شد. مدت زمان تقریبی جهت انجام هر مصاحبه ۴۵ تا ۹۰ دقیقه بوده است. در این پژوهش کیفی از نرم‌افزار MAXQDA برای تحلیل داده‌های مصاحبه استفاده شد. فرآیند تحلیل شامل سه مرحله بود:

- ۱) کدگذاری باز: ابتدا متن مصاحبه‌ها به صورت عمیق مطالعه شد و هر بار که مفهومی جدید ظاهر می‌شد (به‌عنوان مثال تحریم)، یک کد جدید ایجاد می‌گردید. در این مرحله مجموعاً حدود ۸۷ تم فرعی مختلف شناسایی شد.
- ۲) کدگذاری محوری: در مرحله بعد ارتباط بین این تم‌ها بررسی شد تا بتوان آنها را گروه‌بندی کرد. مثلاً، تم تحریم تحت عنوان «عوامل کلان» گروه‌بندی شد.
- ۳) کدگذاری انتخابی: سرانجام تم‌های اصلی مثل عوامل کلان به‌عنوان هسته مرکزی مدل نظری انتخاب شدند.

جدول ۱. خلاصه مراحل اجرای پژوهش

۱	مطالعه و بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۲	تدوین سوالات پژوهش براساس پیشینه پژوهش
۳	تایید روایی سوالات توسط خبرگان حوزه بانکی
۴	انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با خبرگان
۵	تحلیل تم از طریق نرم‌افزار مکس کیو دا
۶	بررسی روایی و پایایی نتایج حاصل از تحلیل تم

ماخذ: یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

آمار توصیفی

اطلاعات تفصیلی نمونه پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه شده است. طبق اطلاعات جدول رشته تحصیلی ۴۰٪ از مصاحبه‌شوندگان حسابداری بوده و سن ۴۴٪ آنان بین ۴۱-۵۰ است. سطح تسهیلات ۶۸٪ از مصاحبه‌شوندگان دکتری بوده و تجربه بانکی ۵۲٪ نمونه بالای ۲۰ سال است. نتایج حاصل از

تحلیل تم نشان‌دهنده این موضوع است که هرچه تجربه بانکی و سطح تسهیلات افراد بیشتر باشد تحلیل‌های عمیق‌تری در خصوص ریسک‌های حوزه بانکی داشتند. در این پژوهش، با توجه به اینکه هدف استخراج کلیه عوامل موثر بر ریسک در صنعت بانکداری بوده، لذا، نمونه طوری انتخاب شدند که به مصاحبه‌شوندگان جهت خاصی داده نشود و افراد متناسب با حوزه فعالیت خویش با هر ریسکی مواجه باشند و درخصوص همان ریسک توضیحات ارائه دهند. به‌عنوان مثال، مدیر اداره کل اعتبارات ریسک‌های اعتباری، مدیر اداره کل بین‌الملل ریسک‌های کلان و در سطح بین‌المللی و رئیس اداره ریسک، کلیه ریسک‌ها را مورد توجه قرار می‌دادند. همچنین، هرچه تجربه بانکی افراد بالاتر بود اطلاعات بیشتری از مصاحبه با این نفرات استخراج می‌شد. دلیل انتخاب افراد با رشته مرتبط این بود که در نتیجه، مصاحبه با افراد با رشته غیرمالی، اطلاعات کمتری به دست می‌آمد و شناخت کافی از ریسک‌های حوزه بانکی نداشتند.

جدول ۲. اطلاعات تفصیلی خبرگان

شاخص	شرح	تعداد	فراوانی	شاخص	شرح	تعداد	فراوانی
جنسیت	زن	۳	۱۲٪	سمت	رئیس اداره ریسک	۳	۱۲٪
	مرد	۲۲	۸۸٪		رئیس اداره نظارت اعتباری	۴	۱۶٪
سن	زیر ۳۰	۱	۴٪	رئیس شعبه	۱	۴٪	
	۳۱-۴۰	۵	۲۰٪	رئیس گروه مطالعات مالی	۲	۸٪	
	۴۱-۵۰	۱۱	۴۴٪	رئیس هیات مدیره	۴	۱۶٪	
	۵۱ به بالا	۸	۳۲٪	عضو هیات علمی دانشگاه	۴	۱۶٪	
تحصیلات	کارشناسی	۱	۴٪	کارشناس مالی	۱	۴٪	
	کارشناسی ارشد	۷	۲۸٪	مدیر اداره کل بین‌الملل	۱	۴٪	
	دکتری	۱۷	۶۸٪	مدیر بازرسی	۱	۴٪	
				مدیره اداره کل اعتبارات	۱	۴٪	
رشته تحصیلی	اقتصاد	۴	۱۶٪	مدیر عملیات پولی و بانکی	۱	۴٪	
	آمار	۱	۴٪	معاونت اعتبارات	۱	۴٪	
	بانکداری اسلامی	۱	۴٪	مدیر حسابداری	۱	۴٪	
	حسابداری	۱۰	۴۰٪	کمتر از ۵ سال	۱	۴٪	
	حقوق مالی	۱	۴٪	۱۰ تا ۵	۸	۳۲٪	
	ریاضیات مالی	۱	۴٪	۲۰ تا ۱۰	۳	۱۲٪	
	کشاورزی	۱	۴٪	۲۰ به بالا	۱۳	۵۲٪	
	مدیریت	۴	۱۶٪	کمتر از ۵ سال	۱۳	۵۲٪	
	مهندسی صنایع	۲	۸٪	۱۰ تا ۵	۵	۲۰٪	
				۲۰ تا ۱۰	۵	۲۰٪	
			۲۰ به بالا	۲	۸٪		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

براساس تکنیک تجزیه و تحلیل تم، عوامل اثرگذار بر ریسک در صنعت بانکداری در سه گروه کلی شامل مشخصات کلان، ویژگی‌های محیطی و مشخصات مالی طبقه‌بندی شده‌است. در کدگذاری اولیه، تم‌های فرعی و کوچکترین واحدهای مفهومی شناسایی شده‌اند که در گام بعدی (مقوله‌بندی تم‌ها)، هر یک از تم‌ها با توجه به مفاهیم ضمنی خود در طبقات کلی‌تر قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از کدگذاری اولیه داده‌های کیفی گردآوری شده با استفاده از مصاحبه میدانی و همچنین، مقوله‌بندی تم‌های فرعی در جدول شماره ۳ ارائه شده است. تفکیک عوامل در جدول ۳ به مشخصات کلان، محیطی و مشخصات مالی انجام شده که مشخصات کلان برون سازمانی بوده و ویژگی‌های محیطی و مشخصات مالی مربوط به مشخصات و ویژگی‌های خود بانک است. لازم به ذکر است تم‌های ارائه شده در جدول براساس درصد فراوانی کدهای ناشی از تحلیل تم، ارائه گردیده است.

جدول ۳. نتایج کدهای اولیه و مقوله‌بندی تم‌های فرعی درون دادها

تم اصلی	تم فرعی سطح اول	تم فرعی سطح دوم
عوامل کلان	نظارت بانک مرکزی	
	نوسانات نرخ ارز	
	تورم	
	تسهیلات تکلیفی	
	عدم استقلال بانک مرکزی	
	سیاست‌های دولت	
	مسائل اقتصادی	
	ریسک کشور	
	مسائل اجتماعی	
	حمایت دولت	
	نرخ سود	
	ریسک روابط بین‌المللی	
	تحریم	
	تغییرات قوانین بانک مرکزی	
	اخبار منفی در خصوص بانک (ریسک شهرت)	
	ریسک پول شویی	
	مسائل شرعی	
ریسک سیستمی		
نرخ بازار بین بانکی		
ویژگی‌های محیطی	اعتبارسنجی	
	پایگاه داده یکپارچه	
	نهادینه شدن فرهنگ مدیریت ریسک در سازمان	
	بازرسی قبل، حین و بعد از پرداخت تسهیلات	
	وجود لایه‌های دفاعی (حاکمیت شرکتی قوی)	
	خدمات الکترونیکی	
	اشخاص وابسته	
بازرسی آنلاین		

تم اصلی	تم فرعی سطح اول	تم فرعی سطح دوم
	استفاده از فناوری نوین - سامانه جهت برقراری ارتباط بانک و مشتری	
	ویژگی‌های شخصیتی پرسنل	آموزش
		احساس تعلق سازمانی
		سیستم جبران خدمات
		اختیارات
		سلسله مراتب ارتقاء شغلی
		تشویق
		الزام به اخذ گواهی نامه
		سایر منابع درآمدی
		درجه ریسک‌پذیری پرسنل
		جانشین‌پروری
		سامانه داخلی جهت رتبه‌بندی مشتریان
	رفتار اعتباری گذشته مشتریان	
	افزایش سطح پاسخ‌گویی بانک‌ها	
	نوع رسالت بانک	
	تاخیر در ارائه اطلاعات	
	عدم رتبه‌بندی	
	شبکه بانکی یکپارچه و متصل (قفل شدن شخص در صورت نکول)	
	عدم وجود سند سیاست اعتباری	
	سطح تجربه و تحصیلات اعضای هیات مدیره	
	ارزش‌گذاری وثایق	
	مدل‌های ظرفیت‌سنجی اعتباری	
	طولانی بودن رویه قضایی	
	گره زدن یاداش و ارزیابی عملکرد به شاخص‌های مدیریت ریسک یا سایر موارد	
	بنگاه‌داری	
	رقابت منفی	
	عدم استقلال موسسات حسابرسی	
	تضاد منافع	
	چابکی	
	مشکلات قانونی	
	روابط	
	رتبه‌بندی شعب	
	عدم استفاده بهینه از نیروی انسانی	
	درصد رشد	
	سابقه فعالیت بانک	
	تنوع جغرافیایی	
	ادامه اعتبارسنجی پس از اعطای تسهیلات	
	ناکافی بودن وثایق	
	وجود حسابرسی ویژه	
	ریسک مدیریت	
	تیم مدیریت ریسک	

تم اصلی	تم فرعی سطح اول	تم فرعی سطح دوم
مشخصات مالی	تعداد شعب بالا بدون سوددهی و در منطقه جغرافیایی نامناسب	
	تسهیلات به صورت سلیقه‌ای	
	اعتماد	
	مطالبات از دولت	
	اعطای تسهیلات به پشتوانه دارایی نامشهود	
	تنوع در وثایق اخذ شده از هر مشتری	
	به روز رسانی وثایق و تعهدات	
	گزارشگری دوره‌ای	
	نسبت تسهیلات به وثایق	
	تاثیر بندهای اظهار نظر حسابرس بر نسبت‌های مالی	
	هزینه و ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	
	زیان ناشی از شکست	
	زیان انباشته و افزایش سرمایه	
	اضافه برداشت بانکی	
	تنوع پرتفوی تسهیلاتی (عدم تمرکز)	
	اجرای استاندارد بین‌المللی شماره ۹	
	اخذ وثایق به ترتیب نقد شوندگی	
وام‌های خرد		
عدم شفافیت		

ماخذ: یافته‌های پژوهش

تم اصلی یک: عوامل کلان

۱. ریسک برقراری روابط بین‌المللی، تحریم، رتبه‌بندی، ریسک کشوری، ریسک پول‌شویی:

در خصوص عوامل کلان موثر بر ریسک در صنعت بانکداری نتایج حاصل از مصاحبه میدانی نشان‌دهنده این است که عوامل مختلفی می‌تواند در سطح کلان بر ریسک در صنعت بانکداری تاثیرگذار باشد از جمله؛ ریسک برقراری روابط بین‌المللی؛ بدین شرح که به دلیل تحت تحریم بودن ایران طی چندین سال، افراد خبره در حوزه بین‌الملل وجود نداشته و افرادی که در دوران قبل از تحریم در روابط بین‌المللی خبره بوده‌اند در حال حاضر بازنشسته شده‌اند. بنابراین، در صورت برقراری ارتباط، عدم وجود نیروی انسانی متخصص بزرگترین چالش محسوب می‌شوند که این موضوع منجر به ایجاد ریسک عملیاتی می‌گردد. جهت کاهش این ریسک باید آموزش‌های لازم به پرسنل بانکی داده شود. از طرفی، در ایران مشکل تطبیق با قوانین و مقررات بین‌المللی وجود دارد؛ از جمله استاندارد بین‌المللی شماره ۹ تاکنون اجرایی نشده و در ایران موسسات رتبه‌بندی، رتبه اعتباری بانک‌ها را اعلام نموده‌اند. به عبارتی، در صورت ورود به روابط بین‌المللی، بانک‌های خارجی در صورتی حاضر به برقراری ارتباط با بانک‌های ایرانی خواهند بود که بانک‌ها دارای رتبه بوده و از قوانین بین‌المللی پیروی نمایند و استاندارد بین‌المللی شماره ۹ را نیز، اجرایی نمایند. تحریم‌ها نیز، ممکن است دسترسی به منابع مالی را محدود کرده و نقدینگی را تحت فشار قرار دهد. همچنین، نوسانات بازار جهانی (مانند قیمت نفت، طلا و ارز) می‌تواند بر ارزش دارایی‌ها تأثیر بگذارد و ریسک بازار را

افزایش دهد. ریسک کشور نیز، به‌عنوان یکی از عوامل موثر بر برقراری روابط در نظر گرفته می‌شود که در حال حاضر ریسک کشور ایران طبق اعلام سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در بالاترین سطح (رتبه ۷) است (درخصوص ریسک کشوری در محاسبه رتبه اعتباری بانکها، رتبه هیچ بانکی بالاتر از رتبه ریسک کشوری آن قابل ارائه نیست. یعنی حداکثر رتبه‌ای که بانکها می‌توانند داشته باشند، برابر رتبه ریسک کشوری آنهاست که توسط سازمان OECD اعلام می‌گردد). از طرفی هر کشور دارای قوانین و مقررات خاصی در زمینه مبارزه با پول‌شویی است. زمانی که بانکها با کشورهای دیگر وارد معامله می‌شوند ممکن است با قوانین متفاوتی مواجه شوند که این عدم تطابق می‌تواند فرصتی برای پول‌شویی فراهم کند و زمینه‌ساز ریسک‌های عملیاتی گردد. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه شونده است:

“ریسک‌های بین‌المللی مشخصه دیگه اولین تعامل که داری شما خب دوباره تحریم‌های اقتصادی از شما هر لحظه ممکنه برداشته بشه ریسک پول‌شویی در معاملات بین‌المللی خیلی شدید ریسک نرخ ارز خیلی شدید. ریسک‌های عملیاتی که زیرساخت‌های شما جوابگو ارتباط با اونا باشه و باعث بشه اون معاملات به موقع انجام بشه جایی گیر نکنه همه اینها هستش عرض به حضورتون که یکی از ریسک‌هایی که خیلی مهمه حقوق بین‌الملله که ما در معاملات بین‌المللی اگه به مشکل خوردیم اصولاً ضعف آدم داریم نیروی انسانی داریم تو حوزه بین‌الملل و حقوق بین‌الملل چون سالیان سال دور از تعامل بوده. بعد تناقض استانداردهای بین‌المللی با سیاست‌های داخلی خودش یه میحث عجیب غریبی الان”

۲. حمایت دولت:

حمایت دولت می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران را افزایش دهد. این اعتماد می‌تواند منجر به افزایش سپرده‌ها و جذب سرمایه‌های بیشتر به سمت بانکها شود و در نهایت به کاهش ریسک نقدینگی کمک کند. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه شونده است:

“در کشورهای پیشرفته مشتری از دست میدم و اونجا مثل آب خوردن بانک ورشکست میشه مثل اینجا نیست به زور بانک مرکزی بانک رو نگهداره و دولت حمایت”

۳. تسهیلات تکلیفی، نرخ سود:

تسهیلات تکلیفی ممکن است به بخش‌هایی اعطا شوند که ریسک اعتباری بالایی دارند، مانند کسب و کارهای کوچک یا صنایع در حال رکود. این امر می‌تواند منجر به افزایش نسبت تسهیلات غیرجاری (NPL) و در نتیجه، افزایش ریسک اعتباری برای بانکها شود. تسهیلات تکلیفی همچنین، می‌تواند فشار بیشتری بر منابع مالی بانکها ایجاد نماید، به‌ویژه اگر این تسهیلات با نرخ‌های سود پایین یا شرایط مساعد اعطا شوند می‌تواند منجر به کاهش نقدینگی و توانایی بانکها برای مدیریت ریسک‌های دیگر شود. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“عامل مهم دیگه که اثر زیادی روی ریسک بانکها داره تسهیلات دستوری و تکلیفی و نرخ سود منحصه حالا ما کوچیکیم شاید تجربه‌شو نداشته باشیم ولی بانکهای بزرگ مجبورند به دولت شرکت‌های دولتی نهادها و دستگاه دولتی یا واسه فشارهای نهادهای حاکمیتی به یک سری اشخاص حقیقی و حقوقی تسهیلاتی بدن که ریسک اعتباری بالایی دارند”

۴. عدم استقلال بانک مرکزی، تورم، سیاست‌های دولت:

عدم استقلال بانک مرکزی یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر ریسک در صنعت بانکداری است. اگر بانک مرکزی تحت تأثیر دولت یا نهادهای سیاسی باشد، ممکن است نتواند سیاست‌های پولی مستقل و مؤثری را اجرا نماید و این موضوع می‌تواند منجر به نوسانات شدید در نرخ سود و تورم شود که ریسک‌های مالی برای بانک‌ها ایجاد می‌کند. افزایش نرخ تورم می‌تواند منجر به کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های عملیاتی بانک‌ها شود که این موضوع ممکن است بر نقدینگی آن‌ها تأثیر بگذارد، همچنین، عدم استقلال بانک مرکزی می‌تواند منجر به اتخاذ سیاست‌های پولی ناپایدار شود که در نهایت بر نرخ تورم و ریسک نقدینگی اثرگذار است. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“خیلی ریسک‌ها به واسطه همون عدم استقلال بانک مرکزی هست که دولت و مجلس تحریک میشه سیاست‌هایی وضع میکنه و بانک مرکزی میاد همون رو ابلاغ میکنه به بانک‌ها برای اجرا بانک هم چاره نداره نداره باید اجرا بکنه”

۵. عدم نظارت بانک مرکزی، تغییرات قوانین:

عدم نظارت بانک مرکزی در بسیاری از موارد می‌تواند منجر به ریسک‌های مختلف نقدینگی، اعتباری، عملیاتی و بازار گردد به‌عنوان مثال بانک‌ها ملزم به پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌ها هستند، درحالی‌که نظارتی از طرف بانک مرکزی در خصوص جزئیات مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی پیاده‌سازی شده صورت نمی‌گیرد. از طرفی، تغییرات ناگهانی در سیاست‌های نظارتی یا تغییرات شرایط اقتصادی ناشی از تصمیمات بانک مرکزی می‌تواند نوسانات شدیدی در بازارهای مالی ایجاد کند، که این نوسانات می‌تواند بر روی دارایی‌های بانک‌ها تأثیر بگذارد. یکی از تأثیراتی که عدم نظارت بانک مرکزی بر ریسک بانک‌ها دارد این است که ممکن است منجر به مدیریت نامناسب نقدینگی در بانک‌ها شود و بانک‌ها بدون اعتبارسنجی صحیح اقدام به اعطای تسهیلات نموده که منجر به افزایش ریسک اعتباری و در نتیجه ریسک نقدینگی خواهد شد. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“بینید به نظر من ما باید به نقطه‌ای برسیم که مجوز بانک راحت اما استمرار فعالیت باید نظارت به شدت دقیق و لحظه‌ای باشه الان شما تعداد بانک‌های کشورهای همسایه رو برید بررسی کنید تعداد بانک‌های خصوصی بررسی کنید اونجا می‌گه نباید من یه زیرساختی رو فراهم کردم مبتنی بر یه سری استانداردها و مقرراتی بسم الله بیاید کار بکنید اگر نمی‌تونید باید تنظیم کنید یا از چرخه حذف میشه کما اینکه تو همین سال گذشته سه تا از مطرح ترین بانک‌های آمریکا منحل شد نظارت اونا به چه صورت است که ما همچین نظارتی نمی‌تونیم عمدتاً نظارتشان لحظه‌ای و سامانه محور هست”

۶. وجود اخبار منفی در خصوص بانک‌ها:

وجود هرگونه اخبار منفی در خصوص بانک‌ها می‌تواند روی اعتماد سرمایه‌گذاران تأثیر گذاشته و به دنبال آن با خروج سپرده‌ها توسط سرمایه‌گذاران، بانک با ریسک نقدینگی مواجه شود.

۷. مسائل شرعی و نرخ سود:

در ایران با توجه به اینکه مقررات بانکداری اسلامی حاکم است مسائل شرعی نیز، در خصوص نرخ سود بانکی مطرح است؛ بدین شرح که در بانکداری متعارف نرخ سود براساس ریسک مشتری

تعیین می‌شود، در حالی که در ایران نرخ سود علی‌الحساب در یک کانال تعریف شده توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود و بانک‌ها اختیار استفاده از نرخ‌های متفاوت برای مشتریان با ریسک بالا را ندارند و این موضوع می‌تواند منجر به افزایش ریسک اعتباری و در نتیجه، افزایش ریسک نقدینگی گردد.

۸. تغییر شرایط اقتصادی:

نوسان در رشد اقتصادی مانند رکود یا رونق، می‌تواند بر عملکرد بانک‌ها تأثیر بگذارد. در دوره‌های رکود، احتمال نکول وام‌ها افزایش می‌یابد که این امر ریسک اعتباری را بالا می‌برد. اگر بانک‌ها با ارزش‌های خارجی درگیر باشند، نوسانات نرخ ارز نیز، می‌تواند منجر به افزایش ریسک‌های مالی شود. این نوسانات ممکن است منجر به زیان‌های غیرمنتظره برای بانک‌ها گردد. به‌عنوان مثال، در صورتی که بانک به شرکت‌ها تسهیلات ارزی اعطا نماید در صورت افزایش نرخ ارز، شرکت‌ها در بازپرداخت تسهیلات دچار مشکل خواهند شد و این موضوع منجر به افزایش تسهیلات غیرجاری و در نتیجه، افزایش ریسک اعتباری و به تبع آن ریسک نقدینگی می‌شود. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“اقتصاد با رکود مواجه بشه تسهیلات گیرنده‌ها قاعداً نمی‌تونن به تعهداتشون عمل بکنند و مطالبات غیرجاری بالا خواهد رفت و طبیعتاً ریسک اعتباری بالا خواهد آمد از سوی دیگه بحث ریسک نقدینگی را اگر بخواهیم در نظر بگیریم خب اعمال سیاست‌های بانک مرکزی مثلاً سیاست‌های انقباضی اگه بخواد عمل بکنه خب در راستای کنترل تورم قاعداً بایستی توان ظرفیت وامدهی بانک‌ها رو محدود بکنه خب این در نهایت منجر به کمبود نقدینگی در سطح کلان خواهد شد”

۹. مسائل اجتماعی:

مسائل اجتماعی از جمله تغییرات در الگوهای مصرف و رفتارهای اجتماعی می‌توانند بر تقاضا برای محصولات شرکت‌هایی که اقدام به اخذ تسهیلات از شبکه بانکی نموده تأثیر بگذارد و با کاهش درآمد مشتریان بانک، توان بازپرداخت تسهیلات کاهش یافته در نتیجه بانک‌ها را با مشکل ریسک اعتباری و نقدینگی مواجه خواهد نمود، به عبارتی هر عاملی که بر شرکت‌های دریافت‌کننده تسهیلات تأثیر بگذارد به صورت غیرمستقیم بر بانک نیز، اثرگذار خواهد بود.

۱۰. نرخ بازار بین بانکی:

تغییرات در نرخ بازار بین بانکی نیز، می‌تواند منجر به افزایش ریسک بانک‌ها شود؛ زیرا، هرچه نرخ بازار بین بانکی افزایش یابد، هزینه تأمین مالی برای بانک‌ها افزایش می‌یابد و ممکن است بانک‌ها با کمبود نقدینگی مواجه شوند. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“پس یه ریسک اعتباری داریم یه ریسک نقدینگی هم موقع که ریسک نقدینگی به وجود میاد چه اتفاقی میفته پشت بندش اتفاقی که میفته باید برن پولو با مبالغ گرانتر از بازار بین بانکی یا حالا از هر شبکه‌ای تهیه کنن و قیمت تمام شده پول میره بالا و این باعث میشه که صورت‌های سود و زیان بانک‌ها زیان ده میشه”

۱۱. ریسک سیستمی:

ریسک سیستمی در عملیات بانکداری به نوعی از ریسک اشاره دارد که ناشی از ناپایداری یا اختلالات در کل سیستم مالی و بانکی است و می‌تواند بر روی تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی تأثیر بگذارد. این نوع ریسک به دلیل ارتباط و تعامل پیچیده بین نهادهای مالی و اقتصادی به وجود می‌آید و کل شبکه بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، در خصوص اجرای درست فرآیند گشایش اعتبار اسنادی برای شرکت‌ها یا افراد خارج از کشور باید فرآیند مربوطه را به طور کامل مسلط بود در غیر این صورت ممکن است با یک بند در اعتبار اسنادی کل ریسک به بانک گشایش‌کننده انتقال یابد بنابراین، اعتبارسنجی مشتری بسیار حائز اهمیت است.

تم اصلی دو: ویژگی‌های محیطی

در خصوص ویژگی‌های محیطی عوامل مختلفی می‌تواند بر ریسک بانک‌ها اثرگذار باشد از جمله:

۱. سطح تجربه و تحصیلات اعضای هیات مدیره
۲. رتبه‌بندی شعب: در صورتی که شعب مورد رتبه‌بندی قرار گیرند و متناسب با رتبه اخذ شده تشویق شوند یا پاداش تعلق گیرد می‌تواند به بهبود ریسک شعب کمک کند.
۳. عدم استفاده بهینه از نیروی انسانی (ضعف در مدیریت منابع انسانی از جمله عدم توجه به نیازها و انگیزه‌های کارکنان می‌تواند منجر به بی‌انگیزگی و کاهش کارایی آنها شود).
۴. رقابت منفی: بسیاری از بانک‌ها بدون اخذ سپرده اقدام به صدور ضمانت‌نامه می‌نمایند یا نرخ کارمزد کمتری اخذ می‌شود که باعث ایجاد رقابت منفی می‌گردد. در برخی بانک‌ها نیز، برای جلوگیری از خروج مشتری اقدام به گشایش اعتبار اسنادی می‌شود که چنانچه مشتری به تعهدات خود عمل ننماید کل تعهدات به بالای خط انتقال خواهد یافت و ریسک بالاتر خواهد رفت. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“رای همکارانمون در سطح کشور ما اونجا توی اون همایش ما الان توی بحث اعتبارات اسنادی به مقداری شرایط بانک با چالش مواجه شده دلیل عمده‌شم اینه که ما چون نقدینگی مون به مقداری کم بود خدمت شما عرض کنم که برای اینکه همکاری ما شعبه مشتری رو از دست نده اینو هدایت کرد به سمت گشایش اعتبار اسنادی بله گشایش اعتبار ماهیت تعه. به خاطر همین اکثر این گشایش اعتبارات به اون فرصت‌های دو ماهه نتونستن مشتری به تعهدات خودشون عمل کنند این رفت بالای خط اومد شد تبدیل به تسهیلات خاطر همین من دلیل این رو که ما رفتیم بررسی کردیم به شعبه گفتیم خب آقا چرا تو اینجوری بی مه‌بابا در واقع گشایش اعتبار انجام دادیم چرا شرایط رو رعایت نکردی گفت آقا من تو شرایط رقابت بانکی من مشتری خودم رو داشتم از دست می‌دادم بانک هم که به من نقدینگی نداره اگر به مشتری میگفتم آقا فعلاً پول نداریم خب این در یک شهر مخصوصاً تو شهرستان‌های کوچیک میان میگن آقا توسعه تعاون پول نداره مثلاً ۲۰۰ میلیون تومنم به ما وام بدها آقا پول مولا اگه دارید از اونجا پولتونو برداشت کنید بکشید بیرون من نظرم اینه حالا من به شخصه دارم میگم من اینو مطمئن هیئت مدیره هم نشسته بود اونجا ریسک شهرت رو در ایران بهش خیلی توجهی نمی‌کنند ولی من به نظرم دلیل دارم برای دلیل دارم اعتباری به ریسکیه که همه بانک‌ها”

۵. درصد رشد: در صورتی که درصد رشد تسهیلات با درصد رشد سود تفاوت بااهمیتی داشته باشد، نشان‌دهنده افزایش ریسک اعتباری و به تبع آن افزایش ریسک نقدینگی است؛ زیرا، رشد تسهیلات اتفاق افتاده اما، به دلیل عدم بازپرداخت به موقع توسط مشتری بر سودآوری بانک تاثیر منفی گذاشته و منجر به افزایش تسهیلات غیر جاری بانک‌ها می‌گردد.
۶. سابقه بانک: سابقه طولانی‌مدت یک بانک در ارائه خدمات مالی و مدیریت ریسک می‌تواند به افزایش اعتبار آن کمک کند. بانک‌هایی که سابقه مثبتی دارند، معمولاً در جذب سپرده‌ها و اعطای وام‌ها موفق‌تر هستند و این می‌تواند به کاهش ریسک اعتباری آنها منجر شود.
۷. عدم استقلال موسسات حسابرسی
۸. تنوع جغرافیایی: با افزایش فاصله جغرافیایی، ممکن است هزینه‌های نمایندگی و مدیریت افزایش یابد، که می‌تواند منجر به کاهش کارایی و افزایش ریسک شود از طرفی تنوع جغرافیایی می‌تواند منابع درآمدی متنوع‌تری برای بانک ایجاد کند و منجر به کاهش ریسک شود. بنابراین، تنوع جغرافیایی باید با دقت مدیریت شود تا از افزایش ریسک جلوگیری به عمل آید. به عبارتی، تنوع در مناطق جغرافیایی باید افزایش یابد که سوددهی بالایی داشته و در مناطق فاقد سوددهی، تعداد شعب محدود گردد.
۹. ارزش‌گذاری وثایق: وثایق توسط کارشناس رسمی ممکن است اشتباه قیمت‌گذاری شود. همچنین، ارزش وثایق به روز نیست.
 “قیمت‌گذاری که شده در رهن قرار گرفته واقعباً اون قیمت نمی‌ارزه بیش از واقع اصطلاحاً ارزیابی شدن”
۱۰. ادامه اعتبارسنجی پس از اعطای تسهیلات
۱۱. ناکافی بودن وثایق
۱۲. وجود حسابرسی ویژه: به منظور اطمینان از پیاده‌سازی یک نظام کارا و موثر مدیریت ریسک، به صورت موردی حسابرسی ویژه می‌تواند صورت گیرد که به ارزیابی مکانیسم مدیریت ریسک در بانک‌های مختلف و پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی بپردازد که این امر می‌تواند منجر به بهبود ریسک در صنعت بانکداری گردد. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:
 “یک نهاد بیرونی که اون حسابرسی ویژه است به جهت اینکه اطمینان پیدا بکنه از پیاده‌سازی یک نظام کارا و موثر مدیریت پیشنهاد کرده”
۱۳. تضاد منافع: به عنوان مثال یک ذی‌نفع عموم مشتریان هستند که تسهیلات تکلیفی برای جوانی جمعیت به نفع مردم بوده ولی بانک ممکن است با مشکل ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری مواجه شود.
۱۴. مدل‌های ظرفیت سنجی اعتباری: مشکلی که در شبکه بانکی وجود دارد این است که سامانه یکپارچه‌ای وجود ندارد که به صورت آنلاین بانک‌ها به آن دسترسی داشته باشند، به عنوان مثال،

- طبق قوانین بانک مرکزی بانک‌ها حداکثر ۱۰ برابر سرمایه ثابتی شرکت‌ها می‌توانند به آنها تسهیلات اعطا کنند. درحالی که یک شرکت ممکن است از چند بانک به صورت هم‌زمان درخواست تسهیلات نموده و قبل از اینکه پرداخت انجام شود کارشناس اعتبارات اقدام به ارزیابی ظرفیت شرکت جهت اعطای تسهیلات می‌نماید و ممکن است به صورت هم‌زمان چند بانک اقدام به اخذ مصوبه اعتباری برای شرکت مذکور نمایند و پرداخت هم‌زمان این تسهیلات منجر به رد کردن سقف ۱۰ برابر سرمایه ثابتی گردد. به عبارتی، هنگام پرداخت تسهیلات، سامانه‌ای وجود ندارد که مانع پرداخت تسهیلات مازاد بر ظرفیت اعتباری شرکت شود.
۱۵. چابکی (پاسخ‌گویی سریع به نیاز مشتریان): هرچه یک بانک در رفع مشکل مشتری چابک‌تر عمل کند در جذب مشتری موفق‌تر خواهد بود و از طریق جذب سپرده می‌تواند ریسک نقدینگی خود را کاهش دهد.
۱۶. طولانی بودن رویه قضایی
۱۷. اشخاص وابسته: اشخاص وابسته هم می‌تواند تاثیر منفی بر ریسک بانک‌ها داشته باشد و هم تاثیر مثبت؛ تاثیر مثبت زمانی است که در صورت وقوع بحران، اشخاص وابسته از بانک‌ها محافظت می‌کنند و با تزریق نقدینگی منجر به کاهش ریسک نقدینگی بانک می‌گردند و تاثیر منفی ناشی از این موضوع است که بانک به‌عنوان محل تامین مالی اشخاص وابسته تبدیل شده است.
۱۸. رفتار اعتباری گذشته مشتریان: استعلام اخذ شده از سامانه ایران منعکس‌کننده رفتار اعتباری مشتری در بازپرداخت تسهیلات و سایر بدهی‌ها از جمله بدهی مالیاتی، گمرکی و ... است به عبارتی نشان‌دهنده تمایل شخص به بازپرداخت است.
۱۹. پایگاه داده یکپارچه، شبکه بانکی یکپارچه و متصل (قفل شدن شخص در صورت نکول)
۲۰. گره زدن پاداش و ارزیابی عملکرد به شاخص‌های مدیریت ریسک یا سایر موارد، به‌عنوان مثال، در صورتی که شعب بانک‌ها با مدیریت ریسک صحیح، به تسهیلات غیرجاری پایین‌تری دست یابند، این موضوع می‌تواند یک شاخص جهت اعطای پاداش به شعبه در نظر گرفته شود و شعب بانک‌ها در وضعیت رقابتی قرار گیرد که هرچه تسهیلات غیرجاری کمتری داشته باشند برآن اساس پاداش تعلق گیرد. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:
- “بخش اعتباری بیاد ارزیابی عملکرد شعیش رو گره میزنه به چندین شاخص که می‌گه اگه در این شاخص‌ها شما عملکرد خوبی داشته باشید نمره بهتری می‌گیرید خب بعد تو این شاخص‌ها واحد ریسک هم میاد وارد میشه و شاخص‌های خودشون پیاده می‌کنه”
۲۱. ریسک مدیریت: این ریسک از طریق تصمیم‌گیری اشتباه توسط مدیران ایجاد می‌شود.
۲۲. بازرسی آنلاین، بازرسی قبل، حین و بعد از پرداخت تسهیلات: برای اینکه منافع جامعه مدنظر قرار گیرد باید نظارت بعد از پرداخت هم وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال، چنانچه شرکت اقدام به اخذ تسهیلات جهت سرمایه در گردش نموده و مواد اولیه خریداری نماید، این مورد باعث افزایش تولید

- شرکت و در نتیجه افزایش تولید ناخالص داخلی کشور خواهد شد. در حالی که اگر اقدام به خرید دارایی ثابت نماید، به دلیل عدم تخصیص صحیح منابع توسط بانک، رسالت بانک دچار خدشه خواهد شد و افزایش تورم را در پی خواهد داشت که در نهایت تورم نیز، روی عملکرد بانک تاثیر منفی خواهد گذاشت. بدین شرح که افزایش تورم منجر به بالا رفتن قیمت‌ها و افزایش هزینه‌های بانک خواهد شد که آن هم به نوبه خود باعث دامن زدن به ریسک نقدینگی می‌گردد.
۲۳. نهادینه شدن فرهنگ مدیریت ریسک در سازمان: فرهنگ مدیریت ریسک باید در کلیه واحدهای بانک نهادینه شود. بدین شرح که هر بخش متناسب با حوزه فعالیت خود باید از ریسک‌های موجود آگاهی داشته باشد و به موقع هشدارهای لازم را به دایره مدیریت ریسک انتقال دهد.
۲۴. افزایش سطح پاسخ‌گویی بانک‌ها.
۲۵. وجود لایه‌های دفاعی (حاکمیت شرکتی قوی)
۲۶. سامانه داخلی جهت رتبه‌بندی مشتریان: در صورتی که مدل‌های رتبه‌بندی داخلی به صورت موازی با استعلام‌هایی که از سامانه ایران گرفته می‌شود وجود داشته باشد که توان مشتری بررسی شود می‌تواند منجر به کاهش ریسک اعتباری بانک گردد. زیرا، سامانه رتبه‌بندی ایران فقط تمایل مشتری را برای پرداخت اقساط در نظر می‌گیرد؛ به عبارتی، هر بانک براساس مشتریانی که دارد اقدام به رتبه‌بندی مشتریان براساس رفتار اعتباری سابق و سایر شاخص‌ها در بانک نموده و این اطلاعات را با بقیه بانک‌ها هم به اشتراک بگذارند تا مدل رتبه‌بندی به مرور اصلاح و بهبود یابد و براساس رتبه حاصله اقدام به اعطای تسهیلات و تعهدات و اخذ وثایق شود.
۲۷. نوع رسالت بانک: هر بانک برای هدف خاصی ایجاد شده و بانک‌های مختلف از جمله تخصصی و تجاری و خصوصی را باید جداگانه در نظر گرفت و با هم مقایسه کرد. به عنوان مثال، بانک توسعه صادرات که یک بانک تخصصی در حوزه صادرات است بیشترین تاثیر را از نوسانات نرخ ارز خواهد داشت. به عبارتی، عوامل کلان روی چنین بانک‌هایی تاثیر بیشتری خواهند داشت و ریسک بازار در چنین بانک‌هایی بسیار حائز اهمیت است.
۲۸. تاخیر در ارائه اطلاعات: با توجه به اینکه اطلاعات تسهیلاتی توسط بانک‌ها با تاخیر به سامانه سمات ارسال می‌شود، این موضوع در اعتبارسنجی و ظرفیت‌سنجی مشتریان تاثیر نامناسبی دارد. در صورتی که سامانه یکپارچه‌ای وجود داشت که کلیه اطلاعات را به صورت لحظه‌ای نشان می‌داد بسیاری از مشکلات در حوزه اعتبارسنجی برطرف می‌شد.
۲۹. عدم وجود سند سیاست اعتباری یکپارچه: با توجه به اینکه سند سیاست اعتباری واحدی توسط بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ نگردیده، بانک‌ها به صورت سلیقه‌ای عمل می‌نمایند.
۳۰. تیم مدیریت ریسک
۳۱. بنگاه‌داری: بانک‌ها به جای تخصیص و تجهیز منابع سراغ بنگاه‌داری رفته‌اند شرکت‌های زیر مجموعه‌ای ایجاد نموده‌اند و بانک در جهت منافع این شرکت‌ها فعالیت می‌نماید که در بلندمدت این موضوع بر تداوم فعالیت و ماهیت فعالیت بانک تاثیر خواهد گذاشت.

۳۲. عدم رتبه‌بندی: عدم ارائه رتبه اعتباری بانک‌ها توسط موسسات رتبه‌بندی منجر به کم اهمیت در نظر گرفتن ریسک در صنعت بانکداری گردیده است.

۳۳. مشکلات قانونی

۳۴. اعتبارسنجی

۳۵. ویژگی‌های شخصیتی پرسنل: سایر منابع درآمدی (جهت ایجاد انگیزه در پرسنل سایر منابع برای درآمدزایی برای پرسنل می‌توان استفاده نمود. به‌عنوان مثال، اگر کارشناس اعتبارات اقدام به ارائه خدمات مشاوره به شرکت‌ها نماید یک منبع درآمد دیگری تحصیل خواهد کرد و می‌تواند مشوقی برای پرسنل تلقی گردد)، درجه ریسک‌پذیری پرسنل (قبل از شروع به کار از پرسنل تست درجه ریسک‌پذیری گرفته شود و متناسب با درجه ریسک‌پذیری در پست‌های مربوطه قرار گیرند)، سیستم جبران خدمات، الزام به اخذ گواهی‌نامه جهت اشتغال به کار در واحدهای مختلف بانک، جانشین‌پروری، اختیارات (به‌عنوان مثال، کارشناس اعتبارات در ارائه اظهارنظر آزادی عمل داشته باشد)، سلسله مراتب ارتقاء شغلی، تشویق (به‌عنوان مثال، پرسنل شعبه تمام تلاش خود را به کار می‌برند که از شعبه به ستاد منتقل شوند)، درحالی که اگر برای پرسنل شعبه مشوق‌های بیشتری لحاظ شود (به‌عنوان مثال، ۴۵ روز مرخصی به جای ۳۰ روز مرخصی در سال یا سایر مشوق‌ها) این احساس ممکن است در پرسنل شعبه تضعیف شود، آموزش (آموزش برای هریک از سطوح بانکی متناسب با نوع فعالیت)، احساس تعلق سازمانی. بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“شما جایگاه کارشناس باید تقویت کنید یعنی کارشناس واقعا باید در سطح کارشناسی نظر بده و مدیر باید اون نظر را بپذیره درسته شما وقتی که جایگاه کارشناسی رو تقویت میکنید و کارشناس احساس میکنه. از یک ارج برخورداره حرفش حرف کارشناسیه خب خیلی لذت می‌بره تمایل داره کار کارشناسی بکنه و اینم مستلزم اینه که شما کارشناسی رو بیای گروه بندی بکنی آقای کارشناس شما الان کارشناس مثلاً پنجمی میخوای بیای یه گروه بالاتر بشی کارشناس چهار باید آزمون از شما بگیرم و سطح اطلاعاتت باید بیاد بالاتر و بتونی که این رتبه رو کسب بکنی که بیای بشی کارشناسی حقوق هم. برای ارتقاء بعضی اینکها دوره‌های مختلف آموزشی دارن براشون می‌ذارن علاوه بر اینکه اینها در واقع یه سری منبع‌های درآمدی دیگری برای کارشناسان ایجاد بشه مثلاً کارشناس بیاد مشاوره بده به مشتری و بابت اون مشاوره هم یه چیزی بگیره می‌خوام به شما بگم که روی این نیروی انسانی خیلی میشه کار کرد که هر دو بعد رو شما بیای تقویت کنید یا مثلاً استان‌های محروم برای اینا یه سری در واقع ابزارهای تشویقی بذارید که برای طرف جذابیت ایجاد کنه که بتواند اونجا کار کنه مثلاً بیای براش یه مرخصی تشویقی در نظر بگیرن یه اضافه کار ثابت به غیر از این چیزی که استان‌های دیگه می‌گیرن اینا بگیرن یه رتبه بالاتر براشون در نظر بگیرن”

۳۶. خدمات الکترونیکی: ارائه خدمات به صورت غیرمستقیم و آنلاین در کاهش هزینه‌های بانک و افزایش سرعت ارائه خدمات تاثیر زیادی دارد که کاهش هزینه در نهایت منجر به افزایش نقدینگی و کاهش ریسک نقدینگی بانک خواهد شد.

۳۷. تعداد شعب بالا بدون سوددهی و در منطقه جغرافیایی نامناسب: به‌عنوان مثال، هرچه تعداد شعب در مناطق جغرافیایی دور افتاده بیشتر باشد، به‌دلیل وجود هزینه‌های شعبه و افزایش هزینه‌های نظارت، این شعب زیان‌ده ریسک نقدینگی بانک را بالا می‌برند.

۳۸. اعطای تسهیلات به صورت سلیقه‌ای

۳۹. استفاده از فناوری نوین-سامانه جهت برقراری ارتباط بانک و مشتری: سامانه‌ای که از طریق هوش مصنوعی اقدام به اعتبارسنجی مشتریان نماید می‌تواند اطلاعات بیشتری از پایگاه‌های مختلف جمع‌آوری نموده و ارزیابی بهتری از اعتبار مشتری ارائه دهد؛ زیرا همه جوانب را در نظر می‌گیرد. همچنین، می‌توان از سامانه‌ای جهت بارگزاری مدارک استفاده شود و از طریق هوش مصنوعی اقدام به صحت‌سنجی مدارک بارگزاری شده شود و از این طریق ارتباط بین مشتری و کارمند بانک نیز، فقط از طریق سامانه امکان‌پذیر باشد، بسیاری از ریسک‌ها کاهش خواهند یافت و جلوی تبانی نیز، گرفته خواهد شد. همچنین، پژوهش‌های و همکاران (۱۴۰۰)، در خصوص مدلسازی تأثیر انقلاب صنعتی چهارم بر زنجیره تامین خدمات بانکی نشان می‌دهد چگونه این فناوری‌ها می‌توانند بهبود قابل توجهی در فرآیندهای نظارتی ایجاد کنند. لازم‌به‌ذکر است، استفاده از فناوری اطلاعات ریسک‌های امنیت اطلاعات همانند ریسک سایبری را ایجاد می‌کند که نیاز است مورد توجه جدی قرار گیرد.

۴۰. اعتماد: بسیاری از بانک‌ها تسهیلات را براساس اعتمادی که به مشتریان دارند و نه براساس ارزیابی ریسک، پرداخت می‌نمایند.

۴۱. روابط: روابط نزدیک بین کارمندان بانک و مشتریان ممکن است منجر به احساس تعهدات غیررسمی شود. این تعهدات می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های مالی تأثیر بگذارند و در نتیجه، ریسک‌هایی مانند اعطای وام‌های غیرموجه یا تسهیلات نامناسب را به همراه داشته باشند که در صورت عدم وجود ارتباط مستقیم بین کارمندان و مشتری (ارتباط به صورت آنلاین و براساس سامانه‌های مختلف) می‌توان این ریسک را مدیریت کرد.

تم سوم: مشخصات مالی

(۱) مطالبات از دولت: در صورت پرداخت مطالبات دولت به بانک‌ها بسیاری از مشکلات بانک‌ها برطرف می‌شود. به عبارتی، هم ریسک اعتباری و هم ریسک نقدینگی بانک کمتر خواهد شد.

(۲) اعطای تسهیلات به پشتوانه دارایی نامشهود: اعطای تسهیلات به پشتوانه دارایی‌های نامشهود، مانند برند، حق امتیاز یا فناوری، می‌تواند به بانک‌ها این امکان را بدهد که به مشتریانی که دارایی‌های ارزشمندی دارند، تسهیلات بیشتری ارائه دهند. این کار می‌تواند به کاهش ریسک اعتباری کمک کند، زیرا، دارایی‌های نامشهود می‌توانند به‌عنوان وثیقه‌ای برای بازپرداخت تسهیلات عمل کنند.

(۳) تنوع در وثایق اخذ شده از هر مشتری: کل پرتفوی تسهیلاتی به پشتوانه یک نوع وثیقه (به‌عنوان مثال دارایی ثابت) نباشد و جهت کاهش ریسک اعتباری و نقدینگی ترکیب متنوعی از وثایق از مشتریان اخذ شود.

۴) به‌روزرسانی وثایق و تعهدات: به‌دلیل وجود تورم به صورت دوره‌ای نیاز به ارزیابی مجدد وثایق است که آیا ریسک ناشی از عدم بازپرداخت تسهیلات را پوشش می‌دهند یا خیر. به‌عنوان مثال، در صورت اخذ سهام به‌عنوان وثیقه، کاهش ارزش سهام می‌تواند منجر به افزایش ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بانک شود.

۵) گزارشگری دوره‌ای: در خصوص گزارشگری مالی تاریخ موثر باید به صورت دوره‌ای باشد که اطلاعات ارائه شده مربوط باشند.

بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“به هر حال ما باید در لحظه بتونیم هم درون بانک هم درون شبکه بانکی یعنی همه بانک‌ها با هم اینها باید یک مدیریت نقدینگی و لحظه‌ای و دسترسی به دیتاها از این جنس باشه ولی خب در حال حاضر به نظرم خیلی فاصله داره شما اطلاعاتی که در سامانه‌ها بارگذاری می‌شه اطلاعات خیلی زیاده و عملاً شاید اون اطلاعات اون لحظه دیگه خیلی به موقع و مفید نباشه”

۶) نسبت تسهیلات به وثایق: وثایق اخذ شده باید بتواند کل تسهیلات را پوشش دهد.

۷) تاثیر بندهای اظهارنظر حسابرس بر نسبت‌های مالی: در صورت اعمال بندهای اظهارنظر حسابرس، بسیاری از بانک‌ها دارای زیان انباشته خواهند شد.

۸) هزینه و ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول: طبق استانداردهای حسابداری و استاندارد بین‌المللی شماره ۹ مبلغ ذخیره قابل اعمال با مبالغی که طبق بخش‌نامه‌های بانک مرکزی باید به حساب گرفته شود متفاوت هستند. طبق بند ۵،۵،۱ استاندارد بین‌المللی شماره ۹، واحد تجاری باید زیان‌های مورد انتظار مربوط به دارایی مالی را اندازه‌گیری و ذخیره کاهش ارزش شناسایی نماید درحالی که در صورت‌های مالی بانک‌های ایران ذخایر طبق دستورالعمل محاسبه ذخایر مطالبات موسسات اعتباری مصوب شورای پول و اعتبار (موضوع بخش نامه شماره ۹۹/۲۲۰۹۷۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) محاسبه می‌شود، بدین شرح که ذخیره عمومی کل تسهیلات ۱/۵ درصد بوده، برای مطالبات سررسید گذشته ۱۰٪، مطالبات معوق ۲۰٪ و مطالبات مشکوک‌الوصول ۵۰ تا ۱۰۰ درصد ذخیره لحاظ می‌شود. به‌عبارتی، اجرای استاندارد بین‌المللی شماره ۹ منجر به شناسایی زودتر از موعد زیان مورد انتظار گردیده و منجر به افزایش هزینه و ذخیره مطالبات خواهد شد.

۹) زیان ناشی از شکست: زیان ناشی از شکست می‌تواند به دلیل نقص در سیستم‌های داخلی، خطاهای مدیریتی، یا عدم رعایت رویه‌های استاندارد ایجاد شود. بنابراین، هرگونه زیان ناشی از این شکست‌ها مستقیماً به ریسک عملیاتی مربوط می‌شود.

۱۰) زیان انباشته و افزایش سرمایه: بسیاری از بانک‌ها دارای نسبت کفایت سرمایه کمتر از ۸٪ هستند که جهت حفظ سلامت مالی نیاز به افزایش سرمایه است. طبق اطلاعات مندرج در سایت بنکر، زیان انباشته بانک‌ها ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام گردیده است که در صورت اعمال بندهای اظهار نظر حسابرس زیان انباشته به ۱۵۰۰ همت خواهد رسید یعنی ۲/۵

برابر زیان انباشته کنونی که در صورت‌های مالی بانک‌ها اعلام نشده است. وجود زیان انباشته در ترازنامه بانک‌ها می‌تواند به کاهش کیفیت دارایی‌ها و کاهش توانایی بانک در پوشش زیان‌های غیرمنتظره منجر شود. این موضوع می‌تواند ریسک اعتباری را افزایش دهد، زیرا، بانک‌ها ممکن است نتوانند به تعهدات خود در قبال سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان عمل کنند. همچنین، نسبت کفایت سرمایه نشان‌دهنده توانایی بانک در پوشش زیان‌ها است. اگر این نسبت پایین باشد، بانک در معرض خطرات اعتباری بیشتری قرار می‌گیرد، زیرا، نمی‌تواند به اندازه کافی از منابع خود برای پوشش زیان‌های احتمالی استفاده کند.

بند زیر نتیجه مصاحبه از مصاحبه‌شونده است:

“باید بانک‌های سیستمی رو باید بشناسیم. یه سری ساز و کار تعریف می‌کنیم کدوم بانک‌ها مون سیستمیه برای بانک‌های سیستمی بایستی چه ابزارهایی تجهیز بشن که بتونن مقاومت داشته باشند اگه خدایی نکرده اتفاق سیستمی رخ داد که حالا ابزار سرمایه بیشتری باید نگهداری بکنن تحت نظارت شدیدتری باشند و یه سری موارد دیگه که بایستی اون رویکردهای محاسباتی و اندازه‌گیری دقیق وجود داشته باشه باید جمع دارایی‌های موزون شده به ریسک بازار باید رقم بالایی باشه که اگه این ریسک اتفاق افتاد بتونه پوشش بده سرمایه نظارتی میشه مفهوم کفایت سرمایه را برای بانک‌های سیستمی افزایش این ریسک سیستمی که عرض کردم مثلاً اگه ما بخوایم برای بانک سیستمی در نظر بگیریم مثلاً به جای اینکه نسبت کفایت سرمایه ۸ درصد باشه باید یگیم اصلاً بانک ملی تو به جای ۸ درصد باید ۱۲ درصد سرمایه داشته باشی”

(۱۱) اضافه برداشت بانکی: اضافه برداشت بانکی می‌تواند منجر به ناتوانی بانک‌ها در تسویه بدهی و افزایش ریسک نقدینگی گردد.

(۱۲) تنوع پرتفوی تسهیلاتی (عدم تمرکز): هرچه تنوع پرتفوی تسهیلاتی بیشتر باشد طبق تئوری پورتفولیو جهت بهینه‌سازی سبد سرمایه‌گذاری از طریق تنوع بخشیدن به سبد سرمایه‌گذاری، ریسک کلی کاهش می‌یابد. بدین شرح که در صورت عدم توزیع ریسک، چنانچه یکی از صنایع دچار بحران شد و توان بازپرداخت اقساط خویش را نداشته باشد، در صورتی که بخش عمده پرتفوی تسهیلاتی بانک را این صنعت خاص تشکیل دهد، بانک به دلیل عدم دریافت اقساط تسهیلات خویش با مشکل وام‌های غیر جاری مواجه خواهد شد. به عبارتی، منجر به ایجاد ریسک اعتباری و در ادامه، به دلیل عدم ورود جریان نقدی ناشی از بازپرداخت تسهیلات با مشکل نقدینگی مواجه خواهد شد.

(۱۳) اجرای استاندارد بین‌المللی شماره ۹: لازمه برقراری روابط بین‌المللی پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی بوده، لذا، لازم است صورت‌های مالی بانک‌ها براساس استاندارد بین‌المللی شماره ۹ تهیه شود و با توجه به اینکه در صورت پیاده‌سازی این استاندارد، ذخیره بیشتری باید در حساب‌ها منظور شود، هزینه شناسایی شده می‌تواند منجر به افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها گردد (در کوتاه مدت به دلیل شناسایی زیان، اجرای استاندارد بین‌المللی شماره ۹ منجر به بدتر شدن وضعیت بانک خواهد شد اما، به دلیل شفافیت اتفاق افتاده،

بانک از راه‌های دیگر می‌تواند اقدام به کاهش ریسک ایجاد شده نماید. به عبارتی، پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی شماره ۹ همانند زنگ خطری است که قبل از وقوع بحران، بانک‌ها را از وضعیت آتی مطلع می‌کند که در صورت اتخاذ تدابیر مناسب در بلندمدت منجر به بهبود ریسک خواهد شد.

۱۴) اخذ وثایق به ترتیب نقد شوندگی: با توجه به اینکه دارایی ثابت از نقدشوندگی کمتری برخوردار هستند و از طرفی وجود رکود در خصوص املاک وثیقه پشتوانه دارایی و طولانی بودن رویه قضایی و فروش دارایی، می‌تواند بانک را با ریسک اعتباری و نقدینگی مواجه کند.

۱۵) وام‌های خرد: با توجه به اینکه اعطای وام‌های خرد منجر به افزایش تنوع پرتفوی تسهیلاتی می‌گردد می‌تواند منجر به کاهش ریسک اعتباری و همچنین، ریسک نقدینگی بانک شود.

۱۶) عدم شفافیت

روایی و پایایی

جهت بررسی روایی و پایایی پژوهش از روایی کیفی و پایایی بازآزمون استفاده شده است. جهت اطمینان از روایی پژوهش در مرحله انتخاب موضوع، مبانی نظری و پیشینه پژوهش انجام شده در خصوص ارزیابی ریسک در صنعت بانکداری در کتب، مقالات، دستورالعمل‌های موسسات بین‌المللی و داخلی بررسی شده و سوالات پژوهش براساس الگویی که از پیشینه پژوهش استخراج شده، تدوین شده است. همچنین، سوالات پژوهش و نتایج حاصل به تایید ۵ خبره حوزه بانکی (شامل اعضای هیات علمی فعال در حوزه بانکی و اعضای هیات مدیره بانک) رسیده است. علاوه بر این، جهت افزایش روایی حاصل از پژوهش، پژوهشگر پس از پایان توضیحات مصاحبه‌شوندگان در طول مصاحبه، برداشت خود از صحبت‌های مصاحبه‌شونده را بیان می‌نمود تا با تایید مصاحبه‌شونده از درستی مطالب برداشت‌شده اطمینان حاصل کند. همچنین، یافته‌های پژوهش تا حد زیادی منعکس‌کننده واقعیت موجود در ادبیات پژوهش است که نشان از روایی بالای این پژوهش دارد.

در پژوهش حاضر، جهت بررسی پایایی بازآزمون، تعدادی مصاحبه از بین مصاحبه‌های انجام‌شده انتخاب شدند و طی فاصله زمانی ۱۵ روزه، دو بار توسط پژوهشگر کدگذاری شدند. همان‌طور در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی ۱۵ روزه برابر ۱۰۶، تعداد کل توافقات بین کدها ۱۰۲ و تعداد کل عدم توافقات برابر ۴ کد است. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های صورت گرفته به صورت میانگین ۹۶٪ است. با توجه به اینکه این پایایی بیشتر از ۶۰ درصد بوده (نیکبخت و قربانی، ۱۳۹۹)، قابلیت اعتماد کدگذاری مصاحبه‌های این پژوهش مورد تایید است.

جدول ۴. پایایی بازآزمون

مصاحبه	مجموع کدها	توافق	عدم توافق	پایایی بازآزمون
۱	۳۷	۳۶	۱	٪۹۷
۲	۳۳	۳۲	۱	٪۹۶
۳	۳۶	۳۴	۲	٪۹۴
جمع	۱۰۶	۱۰۲	۴	٪۹۶

ماخذ: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با هدف شناسایی عوامل موثر بر ریسک در صنعت بانکداری براساس تحلیل تم صورت گرفته است. به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان عوامل مختلفی در سطح کلان، ویژگی‌های محیطی بانک و شاخص‌های مالی می‌تواند بر ریسک در صنعت بانکداری موثر باشد. به‌طور خلاصه از بین عوامل شناسایی شده شاخص‌های حاصل از پژوهش شامل مسائل اقتصادی، وجود لایه‌های دفاعی (حاکمیت شرکتی قوی)، ریسک مدیریت (تیم مدیریت ریسک)، اشخاص وابسته، افزایش سرمایه، درصد رشد، نوع رسالت بانک، نوسانات نرخ ارز، ارزش‌گذاری وثایق، ریسک کشور، هزینه و ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، زیان انباشته، نوع رسالت بانک، تنوع پرتفوی تسهیلاتی (عدم تمرکز)، حمایت دولت، احتمال حمایت بخش دولتی، سیاست‌های دولت، زیان ناشی از شکست، نسبت تسهیلات به وثایق، ناکافی بودن وثایق، تغییرات قوانین بانک مرکزی، درصد رشد، تنوع در وثایق اخذ شده از هر مشتری، ریسک بازار (ریسک معاملات، ریسک نرخ بهره، ریسک سرمایه‌گذاری، ریسک ارز خارجی، ریسک موثر بر صندوق بازنشستگی و ریسک بیمه)، نرخ بازار بین بانکی، تعداد شعب بالا بدون سوددهی و در منطقه جغرافیایی نامناسب، تنوع جغرافیایی، ریسک سیستمی، مشکلات قانونی، اضافه برداشت بانکی، چابکی، خدمات الکترونیکی، عدم رتبه‌بندی، عدم استفاده بهینه از نیروی انسانی، درصد رشد، طولانی بودن رویه قضایی، قوانین و رویه‌های متضاد و مختلف و فقدان بازدارندگی قوانین موجود، اعتبارسنجی، تورم، تسهیلات تکلیفی، عدم استقلال بانک مرکزی، اخبار منفی درخصوص بانک (ریسک شهرت)، نظارت بانک مرکزی، رقابت منفی، پایگاه داده یکپارچه، شبکه بانکی یکپارچه و متصل (قفل شدن شخص در صورت نکول)، سایر منابع درآمدی، جانشین پروری، استفاده از فناوری نوین - سامانه جهت برقراری ارتباط بانک و مشتری، ناترازی بانک‌ها، اجرای IFRS9، عدم شفافیت با شاخص‌های تعیین‌شده توسط موسسات رتبه‌بندی شامل اس اند پی، فیچ و مودیز و همچنین، پژوهش‌های داخلی شامل محقق‌نیا و همکاران (۱۳۹۸)، رستمی و همکاران (۱۳۹۷)، شهرامی بابکان و همکاران (۱۴۰۲)، نادری و همکاران (۱۴۰۱) و نیکبخت و قربانی (۱۳۹۹) مطابقت دارد. همچنین، عوامل دیگر شناسایی شده که مختص محیط ایران بوده و در پژوهش‌های پیشین به آنها اشاره نشده شامل؛ ریسک روابط بین‌المللی، ریسک پول‌شویی، تحریم، مسائل شرعی، مسائل اجتماعی، سطح تجربه و تحصیلات اعضای هیات مدیره، رتبه‌بندی شعب، اجرای درست فرآیندها، سابقه فعالیت بانک، عدم استقلال موسسات

حسابرسی، ادامه اعتبارسنجی پس از اعطای تسهیلات، وجود حسابرسی ویژه، تضاد منافع (تضاد منافع بین عموم مردم و بانک‌ها)، مدل‌های ظرفیت سنجی اعتباری، رفتار اعتباری گذشته مشتریان، گره زدن پاداش و ارزیابی عملکرد به شاخص‌های مدیریت ریسک یا سایر موارد، بازرسی آنلاین، بازرسی قبل، حین و بعد از پرداخت تسهیلات، نهادینه شدن فرهنگ مدیریت ریسک در سازمان، افزایش سطح پاسخ‌گویی بانک‌ها، سامانه داخلی جهت رتبه‌بندی مشتریان، تاخیر در ارائه اطلاعات، عدم وجود سند سیاست اعتباری، بنگاه‌داری، ویژگی‌های شخصیتی پرسنل (درجه ریسک‌پذیری پرسنل، سیستم جبران خدمات، الزام به اخذ گواهی‌نامه، اختیارات، سلسله مراتب ارتقاء شغلی، تشویق، آموزش (آموزش حرفه‌ای مستمر)، احساس تعلق سازمانی)، اعطای تسهیلات به صورت سلیقه‌ای، اعتماد، روابط، مطالبات از دولت، اعطای تسهیلات به پشتوانه دارایی نامشهود، گزارشگری دوره‌ای، تاثیر بندهای اظهارنظر حسابرس بر نسبت‌های مالی، اخذ وثایق به ترتیب نقد شوندگی، وام‌های خرد، این عوامل از طریق خبرگان حوزه بانکی مورد اعتبارسنجی مجدد قرار گرفتند.

این پژوهش نشان داد که عوامل مختلف از جمله ریسک روابط بین‌المللی، آموزش پرسنل، حاکمیت شرکتی و مشخصات مالی مانند زبان انباشته به صورت ترکیبی بر ریسک‌های بانکی تاثیر می‌گذارند. ریسک روابط بین‌المللی می‌تواند بر ریسک نقدینگی و در نهایت ریسک اعتباری تاثیر بگذارد. همچنین، عوامل محیطی بانک از جمله آموزش پرسنل و حاکمیت شرکتی می‌توانند ریسک عملیاتی را کاهش دهند که به نوبه خود ریسک اعتباری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر، مشخصات مالی از جمله زبان انباشته و نسبت کفایت سرمایه نیز، می‌تواند بر ریسک اعتباری و نقدینگی تاثیر بگذارد. این روابط نشان می‌دهد که مدیریت ریسک بانکی نیازمند در نظر گرفتن عوامل مختلف و پیچیده‌ای است که به صورت شبکه‌ای با هم در تعامل هستند.

پژوهش نشان داد از بعدهای مختلفی از جمله مشخصات کلان، ویژگی‌های محیطی و مشخصات مالی، به ریسک در صنعت بانکداری توجه شده است که برخی ریسک‌ها مختص محیط ایران بوده و در موسسات رتبه‌بندی دنیا مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به اینکه موسسات رتبه‌بندی داخلی تاکنون رتبه اعتباری بانک‌ها را اعلام ننموده‌اند، نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند جهت تعیین شاخص‌های اثرگذار در تعیین رتبه اعتباری بانک‌ها مورد توجه قرار گیرد.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر از طریق مصاحبه با خبرگان صورت گرفته، محدود حاکم بر پژوهش‌های کیفی در این پژوهش وجود دارد. یکی از محدودیت‌های اصلی پژوهش، تمرکز صرف بر نظرات خبرگان بانکی بوده و این موضوع ممکن است منجر به عدم در نظر گرفتن دیدگاه‌های مشتریان بانک‌ها گردد که می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره ریسک‌ها و چالش‌های موجود ارائه دهند. همچنین، دسترسی نداشتن به داده‌های محرمانه و اطلاعات داخلی بانک‌ها یکی دیگر از محدودیت‌ها بود که می‌تواند بر دقت تحلیل‌ها تاثیر بگذارد. تلاش برای دستیابی به داده‌های بیشتر و متنوع‌تر در آینده می‌تواند به غنای تحقیق کمک کند.

پیشنهادهای

پیشنهادهای کوتاه مدت

- (۱) یکی از مشکلات شبکه بانکی این است که سامانه یکپارچه‌ای وجود ندارد که بانک‌ها به صورت آنلاین به آن دسترسی داشته باشند. به‌عنوان مثال، طبق قوانین بانک مرکزی بانک‌ها حداکثر ۱۰ برابر سرمایه ثبتی شرکت‌ها می‌توانند به آنها تسهیلات اعطا کنند. درحالی که یک شرکت ممکن است از چند بانک به صورت هم‌زمان درخواست تسهیلات نموده و قبل از اینکه پرداخت انجام شود، کارشناس اعتبارات اقدام به ارزیابی ظرفیت شرکت جهت اعطای تسهیلات نماید و ممکن است به صورت هم‌زمان چند بانک اقدام به اخذ مصوبه اعتباری برای شرکت مذکور نمایند که پرداخت هم‌زمان این تسهیلات منجر به رد کردن سقف ۱۰ برابری سرمایه ثبتی گردد. به‌عبارتی، هنگام پرداخت تسهیلات هیچ سامانه‌ای وجود ندارد که مانع پرداخت تسهیلات مزاد بر ظرفیت اعتباری شرکت شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی سامانه آنلاینی راه‌اندازی کند که به صورت لحظه‌ای اطلاعات در آن ارائه شود و همانند حالتی که اگر شرکت‌ها چک برگشتی یا تسهیلات سررسید گذشته داشته باشند جلوی پرداخت تسهیلات گرفته می‌شود، درخصوص پرداخت مزاد بر سقف ظرفیت شرکت‌ها نیز، چنین سازوکاری پیاده شود و در صورتی که شرکت هم‌زمان از چند بانک اقدام به دریافت مصوبه نماید، هنگام اجرایی شدن مصوبه اگر از سقف ظرفیت شرکت بالاتر رفت جلوی پرداخت تسهیلات توسط سامانه گرفته شود.
- (۲) بانک‌ها معمولاً پایش بعد از پرداخت تسهیلات ندارند، به‌عبارتی، فرآیند اعتبارسنجی محدود به قبل از اعطای تسهیلات است. درحالی که، نیاز به نظارت بعد از پرداخت بسیار مهم بوده، زیرا، از طریق نظارت بعد از پرداخت، در صورت وجود مشکل قبل از اینکه شرایط به سطح بحرانی برسد بانک از عدم وصول مطالبات خود آگاهی به دست آورده و فرصت برای انجام اقدامات ضروری را خواهد داشت.
- (۳) با توجه به شاخص‌های مشخص شده از نظر خبرگان به بانک مرکزی پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای جهت انتقال دانش افراد خبره درخصوص روابط بین‌المللی به کارکنان فعال در حوزه بین‌الملل ارائه نمایند تا در صورت برقراری مجدد روابط بین‌المللی و رفع تحریم، بانک‌های ایران بتوانند با کاهش ریسک وارد روابط بین‌المللی شوند. همچنین، گام جدی در جهت پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی شماره ۹ و تطبیق با قوانین بین‌الملل بردارند.
- (۴) لازمه برقراری روابط بین‌المللی وجود رتبه اعتباری برای بانک‌ها بوده، لذا، به موسسات رتبه‌بندی فعال در کشور پیشنهاد می‌شود وارد حوزه رتبه‌بندی بانک‌ها شوند و به‌عنوان نهادی مستقل از بانک مرکزی رتبه اعتباری بانک‌ها را اعلام نمایند تا به موقع بانک‌های بیمار شناسایی شده و از انتقال مشکلات بانک‌های بیمار به بانک‌های سالم جلوگیری به عمل آید. همچنین، به موسسات رتبه‌بندی پیشنهاد می‌شود شاخص‌های شناسایی شده از منظر خبرگان را نیز، در مدل‌های رتبه‌بندی خویش بگنجانند از جمله تاثیر بندهای اظهار نظر حسابرس که خیلی حیاتی است، زیرا، با اعمال بندهای مذکور

بسیاری از بانک‌ها به مرحله زیان انباشته خواهند رسید. همچنین، مدل کملز که توسط بانک مرکزی به صورت محرمانه برای رتبه‌بندی بانک‌ها استفاده می‌شود نیز، بندهای اظهارنظر حسابرس را لحاظ نمی‌کند. لذا، پیشنهاد می‌شود این مورد در محاسبات لحاظ شود.

- ۵) رقابت منفی در صنعت بانکداری منجر به دامن زدن به مشکلات ریسک اعتباری و نقدینگی بانک‌ها می‌شود که در این خصوص نظارت بیشتر بانک مرکزی ضروری است (به‌عنوان مثال، نظارت بر نرخ کارمزد ضمانت‌نامه و گشایش اعتبارات اسنادی و استراتژی جذب سپرده بانک‌ها)
- ۶) عامل مهم دیگری که بر ریسک بانک‌ها تاثیرگذار است، عدم اعتبارسنجی صحیح مشتریان بوده و در این خصوص نیز، با توجه به اینکه سند سیاست اعتباری واحدی توسط بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ نگردیده، بانک‌ها سلیقه‌ای عمل می‌نمایند (به‌عنوان مثال، گزارش اعتباری دایره اعتبارات برخی بانک‌ها در حد دو صفحه بوده درحالی که، برخی بانک‌ها در حد ۴۰-۵۰ صفحه گزارش داشته که انواع ریسک‌های مشتریان را مورد توجه قرار می‌دهند. در صورت ابلاغ یک سند سیاست اعتباری واحد، امکان برخورد سلیقه‌ای وجود نخواهد داشت) و این موضوع منجر به افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها می‌شود. لذا، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی سند سیاست اعتباری واحدی تدوین نموده و بانک‌ها را ملزم نماید که براساس این سند اقدام به تهیه گزارش کارشناسی و انجام اعتبارسنجی مشتریان جهت اعطای تسهیلات نمایند.
- ۷) با توجه به اینکه در ایران موسسات رتبه‌بندی تاکنون اقدام به رتبه‌بندی بانک‌ها ننموده‌اند به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود براساس پیشینه پژوهش و شاخص‌های شناسایی شده قبلی و شاخص‌های شناسایی شده پژوهش حاضر اقدام به ارائه مدل جهت رتبه‌بندی اعتباری بانک‌ها نمایند.
- ۸) بسیاری از تسهیلات غیرجاری بانک‌ها مربوط به تسهیلاتی است که به بخش دولتی پرداخت شده که این موضوع منجر به افزایش ریسک اعتباری و نقدینگی بانک‌ها شده و در صورتی که دولت مطالبات مربوط را بازپرداخت نماید بسیاری از مشکلات بانک‌ها برطرف خواهد شد.

پیشنهادهای بلندمدت

- ۱) بانک مرکزی از طریق استفاده از سامانه نظارت بلادرنگ مبتنی بر هوش مصنوعی برای رصد تراکنش‌های مشکوک می‌تواند جهت بهبود نظارت استفاده نماید. با این کار هم هزینه نظارت کاهش می‌یابد و هم با سرعت بیشتری امکان نظارت بر کار بانک‌ها فراهم می‌شود.
- ۲) در خصوص نظارت بر پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی نیاز به اقدام جدی‌تری از سوی بانک مرکزی است (مکانسیم‌های حاکمیت شرکتی به بانک‌ها ابلاغ گردیده اما نظارتی در خصوص پیاده‌سازی کمیته‌های مختلف و پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی وجود ندارد).
- ۳) در ایران سیستم بانکی در صورتی که مورد رتبه‌بندی قرار گیرد و سطح پاسخ‌گویی بالاتر رود می‌تواند جلوی بسیاری از مشکلات گرفته شود. همچنین، با توجه به اینکه کارشناسان اعتباری

اقدام به اخذ رتبه مشتریان از سامانه ایران می‌نمایند و این سامانه تنها تمایل اشخاص برای بازپرداخت را نشان می‌دهد و توانایی آنها مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و از طرفی در ایران موسسات رتبه‌بندی تاکنون نتوانسته‌اند رتبه اعتباری تمام شرکت‌ها را اعلام نمایند (تعداد محدودی شرکت مورد رتبه‌بندی قرار گرفته‌اند)، لذا، ضروری است بانک‌ها براساس پایگاه داده‌های خود از مشتریان و با توجه به سابقه آنها و سایر اطلاعات اقدام به ارائه مدلی داخلی جهت رتبه‌بندی مشتریان نمایند و براساس رتبه حاصله سطح همکاری خویش با شرکت و نوع وثایق تعیین کنند.

(۴) با توجه به اینکه دارایی نامشهود در حال افزایش بوده بانک‌ها بیشتر دارایی ثابت را ملاک اعطای تسهیلات قرار می‌دهند. لذا، پیشنهاد می‌شود زیرساخت‌های لازم برای قیمت‌گذاری دارایی‌های نامشهود طراحی شود و به پشتوانه دارایی نامشهود که ارزش بالایی نیز دارند تسهیلات اعطا شود.

(۵) درخصوص اهمیت نسبت کفایت سرمایه و افزایش سرمایه بانک‌ها همانطور که در برنامه هفتم توسعه نیز، اشاره شده که نسبت کفایت سرمایه به ۸٪ برسد پیشنهاد می‌شود این نسبت متناسب با نوع ماهیت فعالیت بانک خصوصی‌سازی شود. به‌عنوان مثال، بانک‌های تخصصی که در معرض شدید نوسانات نرخ ارز هستند، نسبت کفایت سرمایه بالاتر از ۸٪ تعیین شده لحاظ شود به‌عبارتی، متناسب با نوع فعالیت بانک این نسبت متفاوت در نظر گرفته شود. مسئله‌ای که در افزایش سرمایه باید در نظر گرفته شود این است که این افزایش بهتر است از محل منابع باکیفیت باشد که منجر به افزایش توان عملکرد بانک گردد. زیرا، افزایش سرمایه از محلی مانند تجدید ارزیابی هیچ تاثیری روی توانایی بانک نخواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

References

- Agu, O. C. & Okoli, B. C. (2013). Credit management and bad debt in Nigeria commercial Banks: Implication for development. *Journal of Humanities and Social Science*, 12(3), 47-56.
- Amiri, H; Dehdar, F; & Abdoli, M. R. (2022). Designing and providing an optimal model to determine the risk (bankruptcy) of banks and non-bank credit institutions based on differential analysis (diagnosis). *Scientific Quarterly of Islamic Economics and Banking*, 11(39), 7-32. (In Persian).
- Erza, A. H. & Ghasempour, Sh. (2017). Ranking the Iranian Private Banks through CAMELS Framework by Integrating AHP and ARAS Method. *Financial management strategy*, 5(3), 99-118. (In Persian).
- Fahrul, M. & Rusliati, E. (2016). Credit risk, market risk, operational risk and liquidity risk on profitability of banks in Indonesia. *Trikonomika*, 15(2), 78-88.
<https://banker.ir>
<https://www.bis.org/bcbs/basel3.htm>
- Khalili araghi, M; abrishami, F; Farzinvash. A; & Gohari, F. (2020). Investigating the liquidity risk of Iran's private banks, *new economy and trade*, 14 (4), 55-79. (In Persian).
- Liang, Q; Huang, J; Liang, M; & Li, J. (2024). Economic growth targets and bank risk exposure: Evidence from China. *Economic Modelling*, 135, 106702.
<https://doi.org/10.1016/j.econmod.2024.106702>.
- Mehrani, K; Akbari, S; Kiaroudi, F; & Heydari, A. (2024). Development of an Enterprise Risk Management Implementation Framework in the Banking Industry (Multiple Case Study). *Experimental accounting research*, 14(3), 1-44. (In Persian).
- Mohaghegh Nia, M. J; Dehghan Dehnavi, M. A; & Bye, M. (2018). The effect of internal and external factors of the banking industry on the credit risk of banks in Iran. *Financial economics*, 13(46), 127-144. (In Persian).
- Mohaghegh Nia, M. J; Ghorbanzadeh, W; & Khanzadeh, M. (2021). Credit rating dimensions of Iranian banks. *Journal of Securities Exchange*, 14(54), 63-84. (In Persian).
- Morshedi, F. & Hosseini, S. A; (2022). Identification and ranking the criteria for measuring the risk of companies for listing in the capital market. *Experimental accounting research*, 12(4), 27-48. (In Persian).



Muritala, T. A. & Taiwo, A. S. (2013): Credit management spur higher profitability? Evidence from Nigerian banking sector. *Journal of applied economics and business*, 1(2), 46-53.

Naderi, J; Nadiri, M; & Zarei, F. (2020). Investigating non-performing loans and ranking factors affecting credit risk in Iranian banking using DANP method. *Journal of Decisions and Operations Research*, 7(3), 383-403. (In Persian).

Naili, M. & Lahrichi, Y. (2022). Banks' credit risk, systematic determinants and specific factors: recent evidence from emerging markets. *Heliyon*, 8(2), 1-16

Naili, M. & Lahrichi, Y. (2022). The determinants of banks' credit risk: Review of the literature and future research agenda. *International Journal of Finance & Economics*, 27(1), 334-360.

Nikbakht, M. R. & Mahmoud Ghorbani, M. (2019). Identification of Indicators of Banks subject to Bankruptcy Crisis Based on Thematic Analysis Method. *Empirical Studies of Financial Accounting*, 17(66), 51-86 . (In Persian).

Parker, G. & Parsaian, A. (1999). Risk management, the dimensions of risk management, definition and its application in financial organizations. *Financial Research*, 4(14), 125-144. (In Persian).

Rafiean Esfahani, M; Daei-Karimzadeh, S; Shahchera, M; & Ghobadi, S. (2023). The Impact of Government Credits on Bank Risk and Profitability (Case study: Organization of Islamic Cooperation Countries). *Iranian Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 7(2), 1-16.

Rostami, M. R; Nabizade, A; & Shahi, Z. (2018). Factors Affecting Credit Risk of Commercial Banks of Iran with Emphasis on Banking and Macroeconomic Specific Factors. *Journal of Asset Management and Financing*, 6(4), 79-92. (In Persian).

Saleh, I. & Abu Afifa, M. (2020). The effect of credit risk, liquidity risk and bank capital on bank profitability: Evidence from an emerging market. *Cogent Economics & Finance*, 8(1), 1814509. <https://doi.org/10.1080/23322039.2020.1814509>.

Shahabi, V; Azar, A; Faezirazi, F; Fallah Shams, M. (1400). Modeling the impact of the fourth industrial revolution on the banking services supply chain using the system dynamics approach and fuzzy dematerial technique. *International Business Management Scientific Research Journal*, 4(1), 67-89. (In Persian).

Shahrami Bababkan, M; Saranj, A; Nadiri, M; & Noorbakhsh, A. (2023). Comparison of factors affecting the credit risk of different groups in the banking system of Iran. *Econometric Modelling*, 8 (2), 69-95. (In Persian).

Sirghani, S. (2022), Modeling the Credit Rating of Companies by Industry. (PhD thesis), Tarbiat Modares University, Tehran. (In Persian).

Soleymani, M; ArabMazar Yazdi, M; Shekarkhah, J; & Safarzadeh, M. H. (2023). Anticipation of Financial Crisis in Banks by Structural Equations Model. *Financeal Management Strategy*, 11 (2),1-28. (In Persian).

Tehrani, R; Nabipour Afrouzi, M; & Ranjabar fallah, M. R. (2025). Ranking of Financial Technology Indicators of Banks based on Fuzzy Approach. *Financeal Management Strategy*, 13 (1),1-22. (In Persian).

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

